

علاقگی و جمود بکند آیا ممکن نیست نسبت به رفردی از افراد و کلاه در هر وقتی همین معامله بشود مسلم است مادر ایاب و زهاب و معاشرتی که بامردم داریم يك نظامی هائی همراه خودمان نداریم و مستعطفین همراه نمی بریم ممکن است دچار بعضی چیزها بشویم بهلاوه تصور می کنیم باره چیزها هست که بی حضور خودش تصفیه نمیشود

یکی این است که باید بفهمیم این تهمت هائی که نسبت باو داده اند صحیح بوده یا خیر؟ و اگر اینطور نباشد چه باید کرد؟ دوم اینکه از تلگرافی که از معمره کرده معلوم می شود تلگرافی هم از بغداد کرده و طبع کرده و فرستاده ما باید ببینیم که حقیقتاً از بغداد این تلگراف را کرده است یا خیر؟

و از روی اجبار استعفا داده است یا نه؟

بهلاوه در این تلگراف میگوید يك كیبه هم بمجلس فرستاده شده اگر حقیقتاً تلگراف مجلس هم توقیف می شود در اینصورت تکلیف ما چه خواهد بود؟ بنده گمان میکنم باید قدری بطرف حقیقت برویم و برای آتیه خودمان فکری بکنیم آیا با این وضع می توانیم مطمئن باشیم که در آینده مصون و محفوظ خواهیم بود

ولو اینکه اظهارات مشارالملك هم بر خلاف واقع باشد برای اینکه این معامله در آتیه با سایر و کلا نشود ما باید امروز يك کاری بکنیم بهلاوه باقرائنی که ما داریم معلوم می شود این آدم مطمئن بآمدن و آزاد نیست.

بنده گمان میکنم او را بخواهند و اگر حقیقتاً از روی میل و رضا و رغبت رفته است البته مختار و مجاز خواهد بود وقتی آمد و معاکمه کردند هر کس مقصر باشد باید مجازات شود تا اسباب هجرت دیگران بشود و اگر او هم تقصیر کرده و لطمه به حیثیت و کلا وارد آورده باشد باید در اطرافش مذاکراتی بشود

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی واقفید؟

عماد السلطنه خراسانی - مخالفم

رئیس - بفرمائید

عماد السلطنه خراسانی - اساساً بنده با رسیدگی بعملیاتی که آقای مشار الملك مدعی هستند مخالفتی ندارم ولی این که فرمودند باید باعتبار نامه ایشان رسیدگی شود بنده گمان میکنم بعد از اینکه استعفا نامه ایشان در این مجلس قرائت شد و از ملیاتی هم که در باره ایشان شده است و بعضی از نمایندگان می گویند مطلب صحیح به ما اظهاریت نمیده نشده گمان میکنم زبان در اعتبار نامه ایشان رای داد ولی

اساساً در اینکه رسیدگی شود مخالفتی ندارم اما با احضار شدن او مخالفم منتهی اگر يك اشکالاتی در آمدن ایشان باشد باید رفع آن اشکالات بشود و بایشان اطلاع داده شود که در موضوع دعاوی شما بکمیسیون مربوط رجوع شد و برای آمدن شما مانعی نخواهد بود

رئیس - آقای زنجانی موافقت یا مخالف؟

آقای شیخ ابراهیم زنجانی در موضوع مذاکره حرف دارم رئیس - موضوع مذاکره همین است که امضاء فرمودید

آقای شیخ ابراهیم زنجانی اگر کلام در این است که باید معاکمه شود فرضاً مشارالملك وکیل هم نبوده و نیست ولی وقتی يك کاری را کرد چرا گذاشتند بدون معاکمه برود و اگر استعفا هم نکرده باز چرا معاکمه نشود و اگر هم تلگراف اش توقیف نشد

باز باید معاکمه شود پس در معاکمه نباید حرفی زد اما احضار اگر باین عنوان است که در صورتی که حاضر شود مقصر باشد مثل اینکه عدلیه او را احضار کرده باشد بنده مخالفم و اگر باین معنی باشد که باو تلگراف شود کسی با تو کاری ندارد اگر می خواهی بیا و معاکمه کن این هیچ عیبی ندارد اگر موضوع این است که هیچ ولی اگر احضار او بطوری است که اگر بیايد بگویند تو محکوم هستی این را بنده صحیح نمیدانم

رئیس - آقای مدرس - مخالفید؟ آقای حسین مدرس - بلی

مخالفم

رئیس - بفرمائید مدرس - اگر چه بنده ناخوش

بودم و در مجلس نبودم ولی با این حال گمان نمیکنم مجلس آقای مشارالملك را تبعید کرده باشد که احضارش بکند و با مطلبی که آقای فهیم الملك فرمودند بنده موافقم البته باید شعبه با انتخاب و وکالت آقای مشارالملك رسیدگی کند و بمجلس راپورت بدهد آنوقت اگر باشکالات بر خوردیم باید توسط دولت گفته شود اگر مانعی نیست رفع نمایند تا اگر بخواهند تشریف بیاورند و رفع شبهه بشود دیگر اینکه بنده نمیدانم طرف این مذاکرات کی است؟

آخر يك طرف خصوصی یا عمومی می خواهد

هیچکدامش که این جانب است اگر سؤال از وزیر است که در این جا وزیری هم نیست که سؤال کنند چرا چنین اتفاق افتاده

بهر حال بنده گمان میکنم حالیه برای احضارش از طرف مجلس فلسفه و دلیلی نیست مگر بعد از رسیدگی باعتبار نامه او اگر در

موقع رسیدگی محتاج بحضور ایشان شد آنوقت احضار می شوند والا باین ترتیب برای احضار از طرف مجلس بنده فلسفه نمی بینم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید؟

حاج شیخ اسدالله - بلی مخالفم

رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه (اجازه)

حاج نصیر السلطنه - آقای فهیم الملك فرمودند همه از جریان قضیه مشارالملك

مسیوقیم بنده عرض می کنم در آن موقع نمایندگان محترم هیچ اطلاعی از قضایا نداشتند و اگر اطلاع داشتند محققاً قضیه را این طور تلقی نمی کردند و اما در مذاکراتی هم کمی شود تصور می کنم اختلاف زیادی نباشد زیرا آقایان اساساً موافق هستند با این که اعتبار نامه مشارالملك بشعبه برود و رسیدگی شود و بعد بمجلس بیاید ولی چیزی بنظر بنده میرسد این است که باید راه حل را فراهم کرد چون موضوع این است استعفا نامه از طرف ایشان در مجلس خوانده شده و نظر به آن استعفا نامه هم آقایان نمایندگان اینطور تصور کردند که مشارالملك استعفا کرده پس از آن تلگرافاتی متوالیا رسیده است که ما تا این اواخر ندیده بودیم و ایشان می گویند استعفا نکرده ام و از يك طرف آقایان می گویند باید مشار الملك بیايد عقیده بنده این است که این مسئله باید اول در مجلس حل شود بعد بشعبه برود و راپورت بدهند و اما اینکه آقای مدرس می فرمایند طرف دعوای مدعی خصوصی است یا مدعی عمومی بعقیده بنده طرف دعوایمان انتخاب او است برای اینکه وکیل مجلس بوده و اعتبار نامه اش هم نگذاشته بعضی میگویند استعفا کرده و خودش می گوید استعفا نکرده ام کی باید در این مسئله قضاوت کند؟

البته مجلس شورای ملی و وکلای محترم باید قضاوت کند

این کار مدعی عمومی و خصوصی نمی تواند داشته باشد

اگر واقعا مجلس شورای ملی ایشان را مستعفی نمی داند باید اعتبار نامه ایشان برود بشعبه و راپورت آن بمجلس بیاید و اگر استعفای ایشان را بمجلس پذیرفته است آنوقت باید برای این تلگرافات تکلیفی معین شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

فهیم الملك - بنده توضیحی دارم

رئیس - توضیح خودتان را بفرمائید

فهیم الملك - بنده در اینکه عرض کردم آقایان از قضیه مشارالملك مستعضرند

مقصودم این نبود که آنروزی که استعفا نامه ایشان آمد آقایان مستعضر بودند این را عرض کردم که سوء تفاهم نشود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه) حاج شیخ اسدالله - بنده با کمال موافقتی که در خصوص رسیدگی و کشف

قضیه دارم که در این قضیه هر کس اقدام خلاف قانونی کرده است باید مجازات شود مرض می کنم هفتاد نفر در این قضیه گرفتار شده اند

راجع بمشارالملك دودفعه سه دفعه در مجلس مذاکره می شود چرا نسبت بسایر اشخاص مذاکره نمیکنند؟

يك نفر از وکلای دیگر را گرفتند و توقیف کردند بواسطه اقدامات های رئیس خلاص شد چرا آنها را که خلاف قانون کردند مجازات نشدند؟

آیا قانون اساسی راجع بمشارالملك نقص شده ولی راجع به آن هفتاد نفر نقص نشده؟

همه را باید در يك نظر گرفت و مشخصات را کنار گذاشت و سرمایه دار را کشت

این است که بنده عرض می کنم باید اساس قضیه را تعقیب کرد

اعتبار نامه اش هم باید بشعبه برود و شعبه نظریات خود را در خصوص استعفا

نامه او معلوم کند و بمجلس بیاورد و مجلس قضیه را حل کند و اما نسبت بسایر عملیات

که در این قضیه شده است بنده فرقی بین مشارالملك و غیر مشارالملك نمیگذارم و باید

قضیه کشف و رسیدگی شود و نسبت به همه مردم مجلس باید یک نظر داشته باشند

رئیس - آقای دست غیب مخالفید یا موافق؟

آقای دست غیب - موافقم

رئیس - بفرمائید

آقای دست غیب - بنده می خواستم در زمینه کلیه تفصیر راجع

باز باب جرائد عرض بکنم ولی مجال نشد و راجع باین مسئله آقای حاج شیخ اسدالله

يك كلمه فرمودند که بنده با ایشان موافقت دارم و آن این است که انشاء الله هیچيك

از آقایان راجع بشخص مشارالملك این حرف را نمیزنند و نسبت بکلیه اشخاص

که در باره آنها خلاف قانون شده است از ارباب جرائد و غیره جرائد عصبانی می شوند

اما راجع بشخص مشارالملك بعید نیست بنده هم متنفذ باشم و در موضوع

صلاحیت ایشان هم حرفهایی دارم که در موقع خودش خواهم زد ولی بعقیده بنده

اول قدمی که مجلس شورای ملی مینماید برای حفظ قانون اساسی بردارد بنده

قدم را می دانم یعنی مجلس شورای ملی یکقدم برای حفظ قانون اساسی برداشته

(جمعی گفتند این طور نیست)

آقای سید محمد باقر - بنده اعتراض به مجلس شورای ملی ندارم .

فقط عرض میکنم اینکه می گویند يك خلاف قانونی در خصوص مشارالملك شده و حبس و تبعید آن برخلاف قانون اساسی بوده يك عده دیگر هم همراه مشارالملك تبعید با حبس شده اند آنهم برخلاف قانون اساسی بوده و حالاهم گفتگو در این نیست که مجلس او را بخواهد یا نخواهد گفتگو در این است که مشارالملك تبعید شده و از مجلس تقاضا کرده که مرا تبعید کرده اند مجلس مرا برای احقاق حق بخواهد . صحبت راجع به اعتبارنامه او نیست فقط موضوع این است که باید او را آزاد کرد اما راجع به فرمایشی که آقای مدرس فرمودند طرف چیست . طرف مجلس شورای ملی و ملت ایران و قانون اساسی است . طرف باین بزرگی است .

نظریه بنده این است که مجلس شورای ملی باید تلگراف کند که تبعید شما برخلاف قانون اساسی است شما آزاد هستید اگر میل به جا که دارید به ایران تشریف بیاورید موضوع مذاکرات این است . صحبت انتخاب و اعتبارنامه نیست .

رئیس - این پیشنهاد بهالتامجلس آمده و اسامی زیادی در این ثبت است ولی گویا هنوز عقاید پخته نشده اگر آقایان مایل باشند بماند برای جلسه دیگر . (بعضی گفتند مطلبی نیست که برای جلسه دیگر بماند)

رئیس - اگر مطلبی نبوده ده بیست نفر اجازه نمی خواستند .

آقای سید محمد باقر دست غیب کمان می کنم کسی مخالف آزاد بودن مشارالملك نباشد .

رئیس - اگر آقایان مایل هستند مذاکرات امتداد یابد .

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادی شده قرائت می شود .

(آقای نظام الدوله بمضمون ذیل قرائت نمودند)

پیشنهاد می کنم بدولت اخطار شود که هرگاه اشکالی برای آمدن مشارالملك است و آقای مشارالملك هم مایل است که بایران بیاید دولت آن اشکال را مرتفع سازد و بمشارالملك نیز اطلاع دهد که مانعی ندارید برای آمدن خود دانید .

امین الشریعه - مدرس - میرزاهاشم آشتیانی .

رئیس - آقای دست غیب .

(اجازه)

آقای سید محمد باقر دست غیب بنده در این جا فهمیدم کلمه دولت یعنی چه .

مقتضی نیست کلمه دولت در این جا ذکر شود زیرا طرف معلوم نیست . مجلس شورای ملی بدون نظریه دولت باید بمردم آزادی بدهد .

شاید خود دولت طرف باشد . مشارالملك باید آزاد باشد .

هر ایرانی آزاد در اقامت و مسافرت است . مجلس شورای ملی باید بدون اجازه دولت باو آزادی بدهد .

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه نطق)

آقای سید یعقوب - بنده خیلی از فرمایشات آقای دست غیب تعجب می کنم . آقا دولت اجازه بدهد .

چه دخلی بمجلس دارد مجلس قانون وضع می کند .

و دولت باید داخل در اجرائیات بشود دولت او را بیرون کرده است و باید او را بخواهد .

مداخله کردن در امور دولت با مجلس نیست .

امشب بقدری ما برای مشارالملك سنگ بسین میزنیم که مفتضح شدیم

مشارالملك هم مثل تقی خان .

تقی خان هم مثل مشهدی حسن است

چرا اینقدر جدیت می کنید ؟

مشارالملك - خودش آزاد است می خواهد بیاید می خواهد نیاید .

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - گفته شد بدولت مراجعه شود که اگر مانعی هست رفع شود و اگر مانعی نیست می خواهد بیاید .

آخر بچه سند ما اورا مستقیما می توانیم احضار کنیم .

بنده گمان می کنم مذاکرات در این مسئله کافی است

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - در مخالفت خیلی سوء تفاهات شد مقصود از مخالفت مخالفت با آزادی هیچکس نیست .

اشتباه نشود مقصود این است که احضار موضوعی ندارید يك تلگرافی کرده است باید جواب داده شود تلگراف شما در مجلس خوانده شود آزاد هستید .

اگر خواست می آید . و اگر نخواست نمی آید .

وبعلاوه بنده با فرمایش آقای بهیم الملك موافق نیستم .

خوب است هر کس از امری مطلع است از طرف خود اظهار کند

اگر بنده مطلع بودم آنروز ساکت نمی نشستم .

لهذا عرض می کنم که اول باید از

دولت سؤال شود که آمدن مشارالملك مانعی دارد یا نه ؟ اگر گفتند مانعی ندارد که موضوع بحث نمی شود و اگر مانع قانونی دارد باید رفع گردد .

بعلاوه استعفای نماینده هم مانع از رسیدگی به اعتبارنامه او نخواهد شد و ربطی به هیچ يك از این موضوعات ندارد

يكی از مواد نظامنامه صراحتا می نویسد استعفا مانع از رسیدگی نیست البته

شعبه باید رسیدگی کند و راجع به مسائل دیگر از قبیل استقرار تلگرافات آنهم راه دیگری دارد .

البته هر کس تلگراف را به صاحبش نرساند و بموجب قانون اساسی محل اعتراض است و باید معاکمه شود

رئیس - پیشنهاد دیگری از طرف آقای ارباب کیخسرو رسیده هر دو قرائت می شود و رای می گیریم .

(آقای نظام الدوله هر دو پیشنهاد را بشرح ذیل قرائت نمودند)

پیشنهاد می کنم بدولت اخطار شود که هرگاه اشکالی برای آمدن مشارالملك است و آقای مشارالملك هم مایل است که بایران بیاید دولت آن اشکال را مرتفع سازد و بمشارالملك نیز اطلاع دهد که مانعی ندارد و برای آمدن خود دانید .

مدرس - امین الشریعه - میرزاهاشم آشتیانی .

بنده پیشنهاد می کنم بمجلس شورای ملی در جواب تلگراف آقای مشارالملك

مضایره نمایند که در مراجعت بمملکت ایران و تعقیب دعوای خود مانعی ندارند ارباب کیخسرو

(اغلب گفتند - صحیح است)

رئیس - (خطاب با ارباب کیخسرو) توضیحی دارید .

ارباب کیخسرو - بنده تصور می کنم هر کسی که در مصالحی بمجلس شورای ملی می دهد لابد آقادر حق دارد که جوابی از مجلس شورای ملی بگیرد .

يك تلگرافی بمجلس شورای ملی شده است .

خواه دیر یا زود رسیده یا امروز در هر حال بمجلس رسیده است و در مجلس شورای ملی هم طرح شده

در هر صورت باید جوابی بایشان داده شود و بنده عقیده ام این است که در مقابل همه این اظهاراتی که اینجا شد مطلب را باین جا خاتمه بدهم که جواب تلگراف ایشان اینست بطور

نوشتۀ خود که ایشان برای مراجعت بایران و تعقیب دعوای خود هیچ مانعی ندارند میل دارند تشریف بیاورند میل ندارند که

هیچ در هر صورت از طرف مجلس سکوت اختیار نشده باشد

(بعضی گفتند صحیح است)

رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو و بعد پیشنهاد آقای

مدرس .

آقایانی که پیشنهاد آقای ارباب را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

جلسه آئینه روز ۳ شنبه ۲۸ حمل سه ساعت بشروب مانده

دستور بقیه مذاکرات در تفسیر اصل ۷۹ قانون اساسی است

آقای بهیم الملك (اجازه)

روز است چند فقره سؤال برای وزارتخانهها فرستاده شده بنده هم یکی از سؤال کنندگان هستم

البته این سؤالها در نتیجه اطلاعاتی است که بنده یا سایر نمایندگان محترم در باره اوضاع پیدا می کنند و سؤال میکنند والا بنده آنقدر علاقه مند بسؤال کردن نیستم .

مخصوصا اگر ببینم در تعقیب سؤال اقداماتی نشود و بلا نتیجه بماند

استدعا می کنم آقای رئیس تا کید فرمایند که آقایان وزراء زود تر حاضر شوند و جواب سؤالات را بدهند

رئیس - تا کید می شود

ارباب کیخسرو - بنده در موضوع دستور عرضی داشتم در جلسه گذشته هم عرض کردم واستدعا کردم که تلگراف تجار شیراز جزو دستور باشد

چون این مسائل يك مسائل مهمی است و راجع بهیات و موات امور اقتصادی مملکت است

رئیس - تلگراف تجار شیراز هم جزو دستور می شود

آقای دادالسلطنه خراسانی (اجازه)

عهاد السلطنه خراسانی - در موضوع راه شوسه خراسان از آقای وزیر فوائد عامه سؤالی کرده بودم و تقدیم حضور حضرت مستطابعالی کردم و تا کنون برای جواب حاضر نشده اند استدعا می کنم تا کید فرمائید حاضر شوند . عرض بنده همین بود

رئیس - آقایان وزراء تا کید میشود جلسه آئینه برای سؤالات حاضر شوند

جلسه آئینه روز ۳ شنبه ۲۸ حمل سه بشروب مانده دستور تفسیر اصل ۷۹ قانون

اساسی بعد تلگراف تجار شیراز راجع به قالی خواهد بود

(مجلس دوساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۹۰

صورت مجلس یوم ۳ شنبه

بیستم شهر شعبان المعظم

۱۳۴۰ مطابق بیست و هشتم

حملات ذیل ۱۳۰۱

مجلس دوساعت و يك ربع قبل از غروب

در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

صورت جلسه شنبه ۲۵ حمل را آقای ایرناصر قرائت نمودند
رئیس - گویا نسبت به صورت مجلس ایراد نه نباشد اعتراضی نیست
(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد
(خواب آقای حاج شیخ اسدالله) اظهاری دارید ؟

حاج شیخ اسدالله - بلی

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - گویا اظهارات بنده در جلسه قبل درست تعبیر نشده و آقایان مقصود بنده را درست ملتفت نشده اند و شاید بیان بنده ناقص بوده است و مقصود بنده این بود که سرمایه نباید اسباب امتیاز اهل خاص باشد این را در مقابل قانون تمام افراد - ملکت اعم از سرمایه دار و غیر سرمایه دار باید متساوی باشند والا بنده منکر و مخالف سرمایه در مملکت نیستم و معتقدم که تا سرمایه در مملکت زیاد نشود منابع ثروت مملکت بکار نمی افتد و عموم مردم آن استفاده که از منابع ثروت مملکت باید بکنند نمی توانند بکنند و باید همواره سعی و کوشش کرد که در مملکت ثروت زیاد شده و در نتیجه تمام افراد مملکت مشغول کار شوند و از منابع ثروت استفاده نموده و بهره مند شوند والا مقصودم مخالفت با ثروت مملکت و سرمایه داران نبود

رئیس - آقای ندین اظهار جناب عالی راجع بچه مسأله است

ندین - راجع به صورت مجلس است

رئیس - صورت مجلس که تصویب شد

ندین - بنده توضیحی میخواستم بدهم اگر اجازه بفرمایند عرض کنم

رئیس - نسبت به فرمایش خودتان می خواستند توضیح بدهید یا نسبت به اظهارات دیگران

ندین - نسبت به اظهارات خودم میخواستم توضیح عرض کنم

رئیس - بفرمائید

ندین - لازم است عرض کنم همان طور که در آن پیش از این قید شده بود چون مشارالیه طرف قضیه هستند باید احضار شوند و پس از ورود ایشان معا که شروع شده و بعد از کشف حقیقت مجرم مجازات شود و بطوریکه در ضمن فرمایش خودم عرض کردم هیچ نظر شخصی نسبت به مشارالیه سرمایه دار و غیر سرمایه دار ندارم بلکه مقصود بنده و سایر آقایانی که این پیشنهاد را امضاء کرده اند فقط برای این بود که براد قانون اساسی حفظ شده و ضمناً کشف حقیقتی هم به همه شود و هر کس در این

قضیه مجرم باشد بعد از ثبوت قصه مجازات بشود بنابراین بهیچوجه نظر شخصی در بین نبود که چون مشارالیه شخص سرمایه دار است باین جهت ما مبادرت باین امر کردیم خیر نظر شخصی بهیچوجه در کار نبوده است اما اینکه آقای حاج شیخ اسدالله اظهار فرمودند چون تا بحال اظهاری در این موضوع نشده البته خودشان تصدیق می فرمایند که هر امری يك وقت و موقع خاصی دارد تا آن موقع بخصوص نرسیده و عقل و تدبیر و تجویز و تصویب نمی کنند که انسان آن امر را تعقیب کرده و ادامه دهد و توضیحاً عرض می کنم مقصود و منظور اصلی بنده و سایر آقایان که آن پیشنهاد را امضاء کرده اند بدون اینکه نظر شخصی در بین باشد فقط حفظ قانون اساسی بوده است

رئیس - کمیسیون هائی که چند روز قبل انتخاب فرمودید اساس اعضاء آن ها اعلان شده و البته بنظر آقایان رسیده است ولی چون چند نفر کسر اعضاء دارد عرض می کنم که در موقع مذاکره يك يك بیرون تشریف برده و شروع با انتخاب فرمایند عده کسری از این قرار است که عرض می کنم یادداشت بفرمائید که فراموش نشود کمیسیون داخله يك نفر کسر دارد کمیسیون عدلیه دو نفر کمیسیون مالیه دو نفر کمیسیون خارجه يك عضو کمیسیون فواید عامه دو نفر کمیسیون معارف يك نفر کمیسیون تجوید نظر در قانون انتخابات دو نفر کمیسیون رسیدگی به عملیات دوره فترت يك نفر مذاکرات که شروع شد آقایان يك يك بیرون تشریف می برند و انتخاب میکنند

مدرس - کسر اعضاء را اطلاع نداشتیم حالا اعلان فرمودید

رئیس - تفاوت نمی کند تلگراف

تجار شیراز راجع بامر قالی مطرح است

آقای محقق العلماء

(اجازه)

(از طرف جمعی اظهار شد که تلگراف مجدداً قرائت شود)

(تلگراف را بمضمون ذیل آقای منتصر الملک قرائت نمودند)

کمیته هیئت وزراء اعظام کمیته اتحادیه تجار محترم کمیته جریده شرق ایران توسط حضرت حجة الاسلام آقای محقق العلماء ساحت مقدس دارالشوری که برای ملی شیدالله از کانه موضوعه قالی تلگراف وزارت جلایله فواید عامه رسیده است که نظر به ترقی آتیه قالی عشور صد و دوازده فقط هر قالی جوهری مقرر شده است افسوس

که توجهی به فرمایش بیفرضانه تجار نمی فرمایند و مغریب صادرات مملکت به مرتبه صفر خواهد رسید وقتی ممکن است قالی ثابت تدارک نمود که متخصصین فنی و مدارس علمی دولت تشکیل دهد جریده محترم ایران در شماره ۱۹۴ روزنامه خود می نویسد هشتاد و دو صادره ایران از واردات آن کمتر است

رئیس - آقای محقق العلماء (اجازه)

محقق العلماء - بنده این قدر می دانم حالت تجار محترم ایران کلیتاً طوری است که جالب توجه همه آقایان نمایندگان محترم است در این چند سال اخیر بواسطه فشار و تضییقاتی که بر عموم تجار ایرانی وارد آمده حالا کی وارد آورده و البته تجار محترمی که در مجلس هستند بهتر می دانند بواسطه ترقی و تنزل برات چقدر از تجار محترم ورشکسته شده اند بخصوص در فارس و شیراز که متجاوز از ده نفر تجار معروف و کاری بواسطه همین صدمه که بانک بر آنها وارد آورده ورشکست شده و فاقد دارائی و هستی شدند

تجار يك طبقه از رنجبران و يك صنف از زحمت کشهای واقعی مملکت و مورد توجه عموم هستند که احترام آنها بر تمام افراد مردم لازم است چنانچه قانون آسمانی هم این مسئله را تأیید کرده و می فرماید تمام اسباب و وسایل اصلاح امور حال مردم بدست چند طبقه از خواص الناس است از آن جمله اول تجار را می شود تجار کسانی هستند که به قید بنده بر همه آقایان نمایندگان محترم بلکه بر تمام مردم لازم است بهر درجه و تا هر اندازه که ممکن است نسبت بآنها باید همراهی و مساعدت کرده آنان را محفوظ و محروم بشمارند مثلاً من می شنوم حاج معین التجار بوشهری مدتی است تظلم می کند داد و فریادی زنند و ما هنوز خودمان را حاضر نکرده ایم که بفریاد او برسیم (از طرف و کلا مشغولیم)

محقق العلماء - مثلاً می شنوم آقای میرزا ابوطالب اسلامی تظلم می کند نمی دانم بدادش رسیده ایم

مستشار السلطنه - آنرا هم کمیسیون فرمایش مشغول است

محقق العلماء - پس از این هیاهو و تهاجمی که آقایان فرمودند همچو

معلوم می شود که همه قسم حاضرند با آنها همراهی و مساعدت کنند

آقای سید یعقوب - در حدود قانون محقق العلماء - البته در حدود

قانون باید با آنها همراهی کرد اولاً منع قالی جوهری از سی سال قبل از طرف دولت برای این بود که قالی دیدند يك رشته مهم مال التجاره ایران قالی است که همه ساله به خارجه حمل می شود و آنهم بواسطه جوهری بودن رنگ آنها خوب بفروش نمی رسد و در نتیجه ضرر کلی به تجار ایرانی وارد می آید لذا دولت در صدد برآمد که این مسئله را تصفیه کند تا دیگر این ضرر به تجار وارد نیاید من جمله یکی از اقداماتی که دولت برای تصفیه این امر نمود منع دخول جوهر بایران بود حتی برای منع دخول جوهر جریده هم قرارداد داده من بعد هم دستوراتی با اداره گمرک داده شد که اسباب و آلات و ادواتی تهیه و تدارک کنند برای اینکه بدانند قالی جوهری و غیر جوهری کدام

است و این دو قسم را در نتیجه این آلات از هم امتیاز و فرق بدهند این ماشین آلاتی که اداره گمرکات برای تشخیص رنگها تهیه کرد و يك چیزی بود که وقتی قالی رنگ ثابت را هم داخل آن میکردند رنگ پس میداد معذالک تجار تحمل میکردند و بالاخره حالا دولت می خواهد هر قالی جوهری بشور بپندد و باین عنوان که چون در ممالك خارجه بفروش نمی رسد ضرری متوجه تجار مملکت می شود و حال آنکه این طور نیست ما امروز می بینی صادرات مملکت ایران تقریباً منحصر بدو چیز شده یکی قالی و دیگری کتیراست فعلاً هشتاد و دو کرور بقول روزنامه ایران و نود کرور بقول بعضی از تجار محترم که حساب کرده اند کسر صادرات ایران نسبت به واردات است فقط يك رشته مهم مال التجار ما قالی است که تجار محترم وقت خود را در بافتن آن صرف می کنند و زحمت میکشند و بافته قالی هم يك مشت زن و مرد دهاتی هستند که غالب نمایندگان محترم ملاحظه فرمودند و فعلاً صادرات ما جز قالی و کتیرا چیز دیگری که قابل توجه باشد نیست در هر سال مقداری از همین قالی ها که زحمت کشیده اند و شاید مثلاً ده يك رنگش جوهر باشد حمل بخارجه شده و بفروش می رسد و انصافاً بقیمت مناسب هم بفروش می رسد آنهم در مقابل این صادرات هم وارداتی از قبل هروسک و غیره داخل ایران میشود در این صورت بنده نمی دانم دولتی که ترقی ملت خودش را می خواهد و باید همیشه سعی و جاهد باشد که بر صادرات مملکتش افزوده شود چرا بر قالی و کتیرا عشور و گمرک باید ببندد آنهم صد و بیست به کتیرا و صد و دوازده مالیات بقالی می بندد در صورتی که چنانچه فوقاً عرض شد رشته

تجارت ما غیر از این دو چیز چیزی نیست که قابل باشد و اگر نباشد این رشته تجارت هم از بین برود دیگر ثروتی برای تجار ایرانی باقی نخواهد ماند و در نتیجه تجارت مملکت رونق نگیرد و زوال خواهد گذاشت.

برای جلوگیری از همین کسری صادرات است که این تلگراف از طرف تجار بساحت مقدس مجلس مغایره شده و منحصراً به همین تلگراف البته خاطر مبارک آقایان نمایندگان مستعصر است در چند ماه قبل هم از طرف تجار کرمان و فارس و اصفهان در این موضوع مذاکراتی بعمل آمد این بلژیکی رئیس گمرک بوشهر یک آدمی است که همه از دستش شکوه و شکایت کرده بودند برای اینکه وقتی يك بار قالی تاجر وارد بوشهر می شد او بواسطه آن آلات و ادوات امتحانیه که قالی را داخل در آن امر می کردند اگر قالی رنگ ثابت هم بود باز رنگ پس می داد امتحان می کرد و باین واسطه يك گمرک زیادی از این بیچاره ها می گرفت اخیراً قرار گذاشته بوده که قبلاً باید اظهار نامه بدارد گمرک بفرستد و باین جهت يك مبلغی هم بعنوان جریمه از آنها می گرفت این بود که تجار بدبخت داد و فریاد کردند و گفتند ما در پرداخت همان گمرکی که دولت اول از ما می گرفت حرفی نداریم و حاضریم بدهیم ولی این شخص بلژیکی از ما اظهار نامه می خواهد ما که به حقایق این رنگها پی نمی بریم و از بطون قالی ها اطلاع نداریم این قالی ها را يك مشت زن دهانی بدبخت برای اعاشه و گذران یومی خود می بافند و ما هم از آنها خریداری نموده و بخارجه حمل می کنیم رئیس گمرک باین ترتیب می خواهد يك ضرر فوق العاده به ما وارد بیاورد تا اینکه بالاخره دولت این مسئله اظهارنامه را رفع کرد و آیا نسبت باین عسوری که دولت می خواهد ببندد و تجار متظلم هستند می گویند اسباب منع این دو رشته تجارت خواهد شد.

مسلم است تمام افراد مملکت حتی خود دولت هم حضرات تجار را واجب الملاحظه می دانند و شایسته نیست که بر این دو رشته از صادرات مملکت گمرک ببندد و یا عسوری بگیرند حالا عقیده بنده این است که دولت بجای اینکه بر این صادرات مخصوصاً قالی گمرک بدهد و خوبست تا گمرک را نسبت بوارداتی که جز تحمل و زیست شده ببندد و همه مردم مخصوصاً تجار معترم استغاثه می کنند و از مجلس شورای ملی استمداد دارند که نسبت باین تجملات و اسباب آرایش که در مملکت وارد می شود بدل توجهی فرمایند

که رو بنقصان گذارد و کمتر پول مابه بهای این نوع چیزهای مصنوعی از بین برود و گمان می کنم اگر دولت بخواهد بر واردات تجملی گمرکی ببندد همه آقایان بقدر سهم خود همراهی خواهند کرد.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو - راجع باین

تلگرافیکه از شیراز رسیده است بشده استماع کردم جزو دستور گذارده شود و ملت همه این استدعای بنده هم این بود که خیلی از این قبیل تظلمات از هر کس می رسد و در اینجا خوانده می شود ولی متأسفانه نتیجه گرفته نمی شود و وقتی هم در مجلس سؤال می کنم جواب مکتوم می ماند راپورت کمیسیون عرایض می آید ولی بعد از مدتی مسکوت عنه می ماند تلگرافات شکایات متعدد از همه جامی رسد ولی نتیجه حاصل نمی شود این اشخاص در دربارند و این درد مندان از راههای دوردست تظلم و التماس بطرف شمارداز میکنند زیرا شمارا اطبای حاذق خود می دانند و می خواهند دردشان را چاره کرد و علاجی برای حال سیاه آنها بفرمایند پس باید بدرد آنها رسیدگی کرده و از حال مستمند آنها آگاه شد این اشخاص در چه زمینه حرف می زنند؟

گمان می کنم در یک زمینه حرف می زنند که اگر مجلس نصف مردود خود را صرف آن کند هنوز بیش از آن سزاوارو شایسته باشد زیرا در باب تجارت حرف می زنند تجارت چیز کوچکی نیست تجارت رشته حیات هر ملت و مملکت است تجارت آن چیزیست که در تحت دنوان سیاست دنیا از برای جنگها برمی خیزد و کشمکش های شود برای این که هر يك از دول می خواهند بر رقیب خود سبقت جست و تجارت خود را بیشتر بسط داده و زیاده در اقطار عالم شروع کنند هر ملت و مملکتی می کوشد که اشیاء مملکت خودش را از خوب و بد از زشت و زیبا هر چه هست از مملکت خود خارج کرده و در عوض آن طلا وارد کند و در مملکت مابعد بختانه چه میکنند؟ طلا را خارج می کنند و جلوگیری از صادرات مملکتی خود می نمایند.

این یک سیاست غریب و پولتیک عجیبی است بلی در آن ممالکی که این اقدامات را می کنند همه گونه وسایل آن را هم فراهم و آماده کرده اند مثلاً یک واردات تجارت و یک شورای تجارتی دارند که آن وزارت تجارت و آن شورای تجارتی آن قسمی که باید و شاید بامور تجارتی می میرد و وسائل ترقی و پیشرفت تجارتی خودشان را از هر حیث و هر جهت فراهم می کنند اما بدبختانه تا مدت ها بود که اصلاً وزارت تجارت نداشتیم و حالا هم که داریم خیلی جوان است و شروع

با اقدامات اساسی نکرده است پس در واقع این تهیه هایی هم که تا بحال شده از طرف خود تجار بوده و از طرف دولت در تحت هیچ عنوان تهیه و بالاخره مساعدت هایی برای پیشرفت امور تجارتی نشده است بلکه بدبختانه تهیه هایی که از طرف دولت های ما برای تجار ایرانی شده فقط انقض امضاء بوده است چنانچه می بینم اعلاناتی در جراید می شود و دولت پیشنهاداتی میکند و این که هزاران تاجر عاشق و طالبند که آن پیشنهادات دولت را در آغوش بگیرند اما چون متأسفانه با آن ها معامله خوبی نشده بلکه همیشه نقض عهد و پیمان شده است از این جهت خودداری کرده اند و اقدام نمی کنند ولی امیدواریم این مجلس دوره چهارم اقدامات اساسی در این باب فرموده و چنانچه آقای مستحق العلماء فرمودند به بعضی مسائل از قبیل تظلم حاجی معین التجار بوشهری و غیره رسیدگی کرده و خاتمه بدهند و باید بامور ایرانی که بطرف مادست حاجت دراز می کنند رسیدگی کرده و اسباب آسایش رفاه آنها را از هر جهت فراهم کنیم دیگر از مساعدت دولت این است.

قانونیستی که از مجلس دوره سوم گذشت تعین و تصریح می کنید که اداره پست چه حقی باید از امانات مردم و تجار بگیرد و در مقابل این حق الضمانه که از مردم می گیرد اگر فرضاً يك مال التجاره و یا يك امانتی از بین رفت و سرقت شد غرامت آنرا باید تأدیه نماید این هم واقعا مسئله غریبی است که بستمخانه از تجار حق الضمانه را نقض می گیرد ولی وقتی که مال از بین می رود و سالها می گذرد و ابتدا چیزی از پرداخت غرامت در کار نیست در راپورت کمیسیون عرایض خوانده می شود که کسب تکلیف از هیئت دولت شده است بالتعجب همان قانون که میزان گرفتن حق الضمانه را معین کرده است همان معلوم کرده است اگر فرضاً آن مال از بین رفت چه تکلیفی دارد و اداره پست چه باید بکند بلی قسمتی را باید بگیرد ابتدا تکلیف نمی خواهد ولی در آن قسمتی که باید تأدیه کند کسب تکلیف می نماید با توجه کامل بنظمی که در اول افتتاح این مجلس حضرت آقای رئیس راجع بواردات و صادرات مملکت فرمودند نیز در چند روز قبل در روزی که تجدید انتخاب و تیسره شده بود مجدداً حضرت معظم الیه برای منافع ملی تشریح فرمودند که این مسئله چقدر مهم و تا چه درجه جالب توجه است گمان می کنم اگر توجهی به آن نطق اول و بآن فرمایش چند روز قبل شان می شد خیلی زیاده تر و بیشتر بتجارت اهمیت داده و در آن توجه و دقت می کردیم مقصودشان از آن فرمایشات سعی در ترویج صادرات و کاستن از واردات بوده که شاید در نتیجه قدری کسر عایدات وارده را

جبران کند عجب تر چیست؟ عجب تر این است که مجلس شورای ملی باز است و مطابق قانون اساسی وضع هر گونه مالیات از مختصات مجلس شورای ملی است و ما نمی دانیم این مالیات ها را کی وضع می کند و کی اعلان می کند بپردازند بنده مجبورم اصل قانون اساسی را بخوانم اصل شانزدهم قانون اساسی می گوید کلیه قوانینی که برای تشدید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و آسایش وزارتخانه ها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد همان وزارتخانه هایی که خودشان می خواهند مالیات وضع کنند در این جا تصریح دارد که نظامنامه آن ها را راهم مجلس باید وضع کند باز اصل هیجدهم قانون اساسی می گوید تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیات ها و رد قبول عوارض و دخانیات ممیزیهای که از طرف دولت اقدام خواهد شد به تصویب مجلس خواهد بود.

باین اصول صریح مانعی دانیم کی وضع مالیات می کند و کی اجرا می نماید حقیقتاً مسئله غریبی است؟

بنده نخواستم همه را متذکر شوم ولی همین قدر عرض میکنم مجلس باز قانون اساسی موجود آنوقت معلوم نیست در مملکت کی وضع قانون می کند و کی اجرا می کند آمدیم بر سر مالیات و گمرکی که از قالی می خواهند دریافت کنند گاهی صد می گیرند زمانی صد دوازده وقتی صد هیجده آن هم نسبت به نسبت نسبت بقالی هایی که رنگ جوهری داشته باشد آنوقت یکی از این دواصل را هم با تجار معامله می کنند یا می گویند خودتان تشخیص بدهید و صورتش را بفرستید اما اگر اداره گمرک فهمید که شما اشتباه کرده اید از شما جریمه می کرد باین معنی که قالی ها را هم ضبط می کند و گمرکش را هم می گیرد و آنوقت يك دوائی استعمال می کنند که آن دوا را بهر رنگ ثابتی بزنند تغییر می کند یا می گویند بغود ما واگذار کند که خودمان تشخیص بدهیم وقتی که خودشان می خواهند ممیزی کرده و تشخیص بدهند باز مشخص همان دوا است که بهر رنگ ثابتی بزنند تغییر می کند البته حق می دهیم بدولت که باید حتی الامکان سعی کند مال التجاره هایی که از مملکتش صادر می شود مال التجاره های خوب و بی عیب باشد که در خارجه از آنها استفاده زیاد تر بشود اما این را چه وقت می توانند بکنند؟ وقتی که دولت بتواند يك رنگهایی ثابتی در مملکت بعمل بیاورد و بتواند آنها را نظیر رنگهایی که از فرنگستان می آید جلوه دهد در صورتی که تا بحال هیچ رنگی برای آنها تهیه نکرده و بدست آنها نداده است همین قدر بتجاری گویند خودتان بروید رنگ پیدا کرده و برای خودتان تجارت کنید و عجب تر

اینکه بتجاری گوید چرا این قالی ها را بخارجه حمل می کنید خوب تا در خارجه این نوع قالی طالب و خریدار نداشته باشد که کمی دستور العمل نمی دهد و آنها خودشان دستور العمل و سفارش می دهند و بدون اینکه مدعی درکار باشد مطابق میل خود آنها قالی از ایران حمل شده و در آنجا بفروش میرسد در صورتی که نظایر این مسئله هم در دنیا زیادتر است ؟ مثلا از فرنگستان از امریکا این همه مال التجاره هائی که حمل می شود و در تمام دنیا بفروش میرسد مال التجاره هائی هست که هم خوب است و هم بد است بفرمائید در کدام مملکت از خروج يك مال التجاره بعنوان اینکه بد است ممانعت بعمل آمده است خود این رنگهای جوهری هم که بایران می آید از ممالك خارجه می آید همه دول عالم می کوشند که مال التجاره های خود را ترویج کرده اند خوب و بد در اقطار عالم بفروش برسانند در این جا بنده متأسفانه چیز دیگری حس می کنیم اقداماتی که برای مسئله قالی می شود فقط مسئله قالی تنها نیست مسئله کشتن و نابود کردن تجار ایرانی است هزار ها مردم گرسنه در این مملکت هستند چه باید بکنند ؟ بپاره کارشان در این مملکت منحصر شده بتجارت قالی و کتیرا و ضمناً لازم است عرض کنم که آقای محقق الملک یکی از صادرات دیگر ایران را فراموش فرمودند و آن آنقوزه است و در واقع امروزه تجارت و صادرات مهم ایران منحصر به همین سه چیز شده معذالك می کوشند که این جزئی هم بفروش نرسد خلاصه این است می گویند هر چه از طلا و غیره دارید بما بدهید در واقع هستی و دارائی خودتان را بما بدهید ولی کار بکنید همیشه محتاج بما باشید آیا ما باید این را بیسنندیم چندی قبل وقتی که در موضوع رایورت کمیسیون عرایض اینجا صحبت شد گفته شد مظلوم کیست جمعی گفتند دولت مظلوم است و بعضی هم گفتند و کلاه هم مظلومند بنده می گویم نه و کلاه مظلومند نه دولت زیرا اگر آنها اظهار مظلومیت کنند معلوم می شود عاجزند و باید کنار بروند مظلوم واقعی ملت است و باید آن دو دسته دیگر که دولت و و کلا باشند رفع ظلم از ملت بکنند پس بنام حفظ قانون اساسی و بنام حفظ منافع مملکت قطع نظر از منافع اقتصادی زیرا منافع سیاسی مملکت مخالف با وضع و اخذ این مالیات است بنده پیشنهاد می کنم که این مالیات فعلاً بکلی موقوف باشد تا دولت پیشنهادی در این باب بمجلس بکنند آنوقت اگر دولت با ذکر دلایل خود مجلس را قانع کرد که تصویب خواهد شد والا حال سابق را دارد و باید نباید چیزی گرفته شود بنده در این موضوع پیشنهادی کرده و تقدیم می کنم و البته در موقع خودش آقایان نمایندگان هم نظریات خود را خواهند

فرموده

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

آقای شیخ اسدالله - بنده تصور نمی کنم که مخالف این قضیه باشد بطوری که آقای ارباب و آقای محقق الملک بیان فرمودند امروزه تمام جنگهائی که در دنیا می شود برای ازدیاد ثروت و پیشرفت تجارت است بنابراین ما نباید این تجارت ناقص که داریم عمداً بدست خودمان نابود کنیم بمقیده بنده این يك تجارتی است که هیچ مانعی ندارد اگر دولت می خواهد از قالی جوهری ممانعت کند پس چرا از خود جوهریانی که از خارجه وارد مملکت ما میشود جلوگیری بعمل نمی آورد همانطور که واردات آزاد است صادرات هم باید آزاد باشد بنده زیاد تر از آنچه گفته شد عرضی ندارم همینقدر بآقایان می خواستم تذکر بدهم که اگر در این موضوع امشب نتیجه و تصمیم قطعی گرفته نشود خیلی سوء اثر خواهد داشت و باید زودتر رای گرفته شود که تجار از این فشار خلاصی شده و آسوده شوند

رئیس گمان می کنم آقایانی که پس اگر مخالفی هست بفرمائید اجازه خواسته اند تمام موافقت

ملك الشعراء - بنده مخالفم

وحید الملک - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای امین الشریعه چطور ؟

امین الشریعه - بنده موافقم

رئیس - آقای رئیس التجار موافقت ؟

رئیس التجار - بلی موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب چطور ؟

آقا سید یعقوب - همه موافقت

مخالف چه می گوید ؟

رئیس - آقای وحید الملک

(اجازه)

وحید الملک - بنده درست نمی دانم موضوع مخالف یا موافقت با چیست

اگر موضوع مخالفت با صد دوازده است بنده موافقم ولی اگر مقصود موافقت با قالی رنگ جوهری است بنده مخالفم و بنده

مجبورم مخالفت خودم را با قالی جوهری عرض کنم

رئیس - پس بگذارید پیشنهادات

قرائت شود آنوقت با هر کدام مخالف

بودید اظهار بفرمائید

(آقای منتصر الملک پیشنهاد آقای ارباب

کیفر سرور را قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می کنم مجلس شورای

ملی بدلول اصل شانزدهم و هجدهم قانون

اساسی و اصل نود و چهارم متمم قانون

اساسی تصویب فرمایند بدولت اخطار شود

راجع بمالیات جدید که صدور قالی و

کلبه فرش آلات از ایران اعم از عنوان

رنگ جوهری و غیره تا از طرف دولت بمجلس

شورای ملی پیشنهاد نشده و از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته است نباید از احدی مطالبه و دریافت شود

رئیس - پیشنهاد دیگری از آقای آقا سیدقاضی

(آقای منتصر الملک بمضمون ذیل

قرائت کردند)

بنده پیشنهاد می کنم که تعرفه گمرکی

در قالی جوهری و غیر جوهری فرقی نداشته

بباشد

رئیس - گمان می کنم اگر پیشنهاد

آقای ارباب کیفر سرور را زمینه

مذاکرات قرار بدهند بهتر است

چون ایشان جای تردید را باقی گذارده

اند ولی پیشنهاد آقای آقا سید فاضل

بطریق قطعی است

رئیس - آقای وحید الملک

(اجازه)

وحید الملک - این پیشنهاد آقای

ارباب کیفر سرور توضیح واضحات است يك

عوارضی گرفته می شود در صورتی که

هنوز از مجلس شورای ملی نگذشته ما

باید جداً ایستادگی کرده و از دولت تقاضا

کنیم مادام که این عوارض از مجلس تصویب

نشده گرفته نشود

تقریباً فلسفه پیشنهاد آقای ارباب يك

چیزی است که بنده هم تردید ندارم ولی از

طرف دیگر بنده در آنجا يك دفاعاتی

از قالی جوهری از يك چیزی که صنعت

و تجارت ایران را خراب خواهند کرد

مشاهده می کنم و لازمست در این

موضوع چند کلمه عرض کنم اساساً قالی

ایران از حیث ثبوت رنگ نقشه و طرح

و بافت در تمام دنیا بخوبی معروف و مشهور

شده است

اما متأسفانه امروزه بواسطه عدم ثبوت

رنگ و استعمال رنگ جوهری و بالاخره

بواسطه استعمال نقشه های بدو عدم دقت

در بافت بمروور شهرتش کم شده و کم کم

دارد از مقام اولیه خود می کاهد

آقایان می فرمایند اگر قالی جوهری

در خارجه خریدار و طالب نداشت خود

تجار حمل می کردند این يك دلیل منطقی

است برای اینکه تجار همانطور که چیز

خوب را حمل می کنند چیز بد را هم حمل

می کنند منتهی جنس خوب بقیمت خوب

بفروش می رسد چیز بد بقیمت

بد بفروش میرسد و اختیار هر دو هم بدست

خود آقایان تجار است بنده عرض می کنم

نباید قالی ایران جوهری باشد و نباید

درست کنند

(جمعی گفتند همچو چیزی نمیشود)

وحید الملک - چنانمی شود

سابقاً در کمال خوبی می شد امروز چرا

باید جوهری و قلابی باشد فقط دو مال -

التجاره ایران بود که ما را از خارجه

مشهور کرده بود یکی قالی و دیگری چیز های قدیمی و آنتیک بود که همه ساله مقدار کثیری بخارجه حمل می شد و در آنجا هم حقاً معروف بود ولی حالا هر دو اینها جوهری و مصنوعی و قلابی شده است

آقایان تجار بواسطه بعضی چیز های مصنوعی که بنام آنتیک بخارجه فرستاده اند بکلی چیزهای قدیمه و نفیس پانصد شصت ساله ایران را خراب کرده اند و همینطور قالی را بواسطه رنگ جوهری که در آن داخل می کنند بی قدر و قیمت کرده از مقامات اولیه و شهرت سابقه او برانتاب کاسته اند

بنده بخاطر داریم در مجالس گذشته در این موضوع مذاکرات خیلی زیاد شد و در نتیجه بالاخره دخول رنگ جوهری بایران جداً قفغن شد ولی متأسفانه از آنجا که تجارت آزاد است و هر چه هست باید حمل شود لذا رنگ جوهر هم بطریق فاسق وارد شد و قالی جوهری هم رواج پیدا کرد و بخارجه هم حمل می شود

حالا ما نباید بملاحظه اینکه چون قالی متاعی است که اهم از جوهری و غیر جوهری بخارجه حمل شده و بفروش می رسد اورا از اهمیت و حیثیت اولیه خود انداختند و قالی جوهری را رواج بدهد و نباید این اصل را معتقد شویم که چون تجارت آزاد است باید قالی جوهری حمل و صادر شود

بنده معتقدم که دولت با تمام قوا باید درصدد جلوگیری از استعمال رنگ جوهر در کارخانجات قالی باقی برآید اما چیزی که بنده گمان نمی کنم بتواند جلوگیری از این موضوع کند همان تا کس صد دوازده مالیاتی است که گمرک از قالی جوهری می گیرد بلکه عوض اینکه جلوگیری کند مثل مالیات تعدید تریاک یا بکس تشویق خواهد کرد دولتی دولت اقدامی که باید بکنند این است که مدتی برای این کار معین کنند فرضاً شش ماه یا یکسال و در ظرف این مدت اعلان کنند که از انقضای یکسال خروج قالی جوهری جداً ممنوع است و اگر حمل کند تمام کارخانجات قالیبافی آنها ضبط دولت خواهد شد ضمناً وزارت فوائد عام و تجارت که عهده دار تصفیه این امر است با تمام قوا اخلاقی و مادی در این مدت باید جلوگیری از استعمال رنگ جوهر در کارخانجات قالی باقی بکنند اما اخلاقاً کاری است که وزارت فوائد عامه با مساعدت وزارت خارجه می تواند انجام دهد و آن این است که وزارت خارجه تمام لوائح و آرسنیک هائی که در مقالات جرائد خارجه بر علیه رنگ جوهر نوشته می شود و بایران می آید بوزارت فوائد عامه بفرستند و آنجا این مقالات را بطبع رسانند و بین

همه تجار توزیع و منتشر کنند و در نتیجه کم کم به مردم حالی کنند که رنگ جوهر بهرود تجارت قالی را از بین می برد و آن را از اعتبار و حیثیت واقعی خود میاندازد و بآنها بفهماند که نباید رنگ جوهر را بهیچ وجه در قالی استعمال کنند .

آنوقت وزارت تجارت توسط وزارت داخله يك سلسله قوانین و انتظاماتی را تعقیب کند که بوسیله آن از استعمال رنگ جوهر در کارخانجات قالی جلوگیری بکند که پس از مدتی خروج این قبیل قالی بکلی ممنوع شود .

آنوقت این يك خدمت بزرگی به تجارت قالی ایران خواهد بود آقای ارباب فرمودند این جا مطالب و موضوع های خیلی مهم می آید و مطرح می شود بدون نتیجه ناتمام می ماند .

بنده هم این را تصدیق می کنم و آقایان نمایندگان محترم را برابور کمیسیون عرایض که قبل از تعطیل عید مطرح بود تذکر می دهم .

رابور مزبور محتوی چهار فقره مطلب مهم بود که از طرف کمیسیون عرایض بهر مجلس رسیده و لازم بود در اینجا قطع و فصل شود .

در آن موقع فقره اول مطرح شد و تولید حرارتی هم کرد ولی بدون اینکه نتیجه حاصل شود و بدون این که داخل فقرات دوم و سوم و چهارم بشویم رابور مزبور را مسکوت نه گذاشته و دیگر در آن باب مذاکراتی بعمل نیاید .

اگر خاطر آقایان باشد فقره سوم همان رابور راجع به استعمال رنگ جوهر در قالی و عوارض بود که گمرک در نظر داشت از قالی جوهری بگیرد .

بنده گمان می کنم این یکی از مسائلی است که در آن وقت باید حل و تصفیه شود در صورتی که آن شب مسکوت نه مانده و حالا داخل مذاکرات شده ایم و حالا هم عقیده دارم که این قضیه باید حل شود

اولا آن پیشنهادی که آقای ارباب کرده اند باید تصویب کرد و از يك مالیات و عوارضی که هنوز تصویب مجلس نرسید باید جلوگیری نمود زیرا این عوارض که فعلا اداره گمرک از قالیهای جوهری میگیرد يك تعصبات سنگینی به تجارت است در صورتی که تجارت مسئول این کار نیستند و تصصیری هم ندارند اگر مقصوری باشد شاید دولت باشد که سابقا از استعمال رنگ جوهری در قالی جلوگیری نکرده است تجارت بدست چه تقصیر دارند پس بایستی این مالیات عجلتا گرفته شود و هر چه زود تر دولت تدارك يك لایحه جامع الاطراف می بکند و بمجلس شورای ملی بیاورد و در آن لایحه این دلائل و نظریاتی که بنده عرض کردم مندرج باشد و بواسطه آن

لایحه باید صنایع ایران را در خارج حفظ کنند منافع و حیثیت تجارت و صنعت ایران را باید از هر حیث رعایت بشاید و از استعمال رنگ جوهری و از بافت قالی جوهری و حمل آن به خارج کاملاً جلوگیری کنند رئیس - يك پیشنهاد دیگری رسیده است که بموجب ماده ۹۷ نظامنامه داخلی بر پیشنهاد سابق مقدم است قرائت میشود و بدو در این پیشنهاد رأی می گیریم بعد بر میگردیم بآن پیشنهاد اول

(آقای امیر ناصر پیشنهاد آقای مستشار السلطنه را بمضمون ذیل قرائت نمودند) مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد می نمایم که قبل از تصویب قضیه این مطلب بکمیسیون فوائد عامه رجوع بشود تا جلب نظر دولت و وزارت فوائد عامه بمجلس تقدیم شود مستشار السلطنه

رئیس - بموجب نظامنامه اول باید تکلیف این پیشنهاد را معین بفرمائید بعد در پیشنهاد اول مذاکره شود آقای مستشار السلطنه

(اجازه)

مستشار السلطنه - بنده بیانات آقای ارباب را کاملاً تصدیق دارم شهادت از نقطه نظر عملیات که در تجارت دارند خیلی خوب تشریح کردند و اهمیت موضوع را خاطر نشان آقایان نمایندگان محترم کردند و بنده نظر باینکه آن اهمیت موضوع را بدرجه شایان تلقی نمودم لذا این پیشنهاد را کردم که قبلاً مراجعه بکمیسیون قواعد عامه بشود و چون این قضیه خیلی مهم است و اهمیتش را همه آقایان تصدیق می فرمایند از این جهت مفصل است که بیشتر مطرح مذاکره و مذاقه شود که ضمناً نظر کمیسیون هم در این باب باشد که اگر تصمیمی گرفته می شود

ز روی تعمق و تفکر باشد و نتایج سوء نداشته باشد قالی يك امتعه منحصر بفرد است و در نظر اروپائی ها هم بی نهایت مهم است سایر امتعه ایران همانطور که آقای وحیدالملک فرمودند بواسطه عدم توجه وزارت فوائد عامه کم کم از میان رفته است ولی مسئله قالی که این همه اهمیت دارد بنده می بینم که مجلس شورای ملی میخواهد طرحش را باختصار و سهولت خاتمه دهد در صورتی که همه آقایان تصدیق می فرمایند که این قالی یگانه متاع و سرمایه ایران است و در هیچ جای دنیا نمی تواند بغوی ایران عمل بیاورند البته امر قالی باید کاملاً اصلاح شود و آقایان فرمودند که قالی جوهری و ثابت هر دو خریدار دارد بنده تصدیق می کنم و خودم هم در این متاع بخصوص تجارت کرده ام البته قالی که رنگش ثابت باشد بهتر است یعنی که خریداری که قالی رنگ ثابت خرید در دفعه دوم هم درصدد خریدن آن متاع برمی آید بخلاف این

که وقتی قالی جوهری خرید دیگری آن تجارت خانه رجوع نمی کند و دولت هم هر وقت خواست که از ثقل در این متاع جلوگیری بکند یگانه با علاج منحصر بفرد را این دانست که يك مالیاتی بر آن بیفتد و تصور کرده است که حمل قالی جوهری باین واسطه از میان می رود و قالی رنگ ثابت با روپا حمل خواهد شد در صورتی که از روی تجربه ثابت شده است که بواسطه این جلوگیری و سختی تجارت قالی شکسته شده و کم کم دارد از بین می رود و قالی بافی عنقریب از ایران محو می شود .

قالی نفیس ترین چیزهای دنیا است و بافتن آنهم منحصر بایران است و در سایر ممالک از قبیل عثمانی و روسیه هر چه خواستند مثل ایران تهیه قالی کنند نتوانسته قالی ایران چه از حیث قماش و طرح و نقشه چه از حیث خوبی پشم که رنگ را خوب نگاه میدارد در درجه اول است و چون در این قضیه که پیش آمده است مجلس شورای ملی باید خیلی باتعمق و دقت رأی بدهد .

باین جهت بنده پیشنهاد کردم که قبلاً بکمیسیون فوائد عامه رجوع شود و بنده یکی از اعضاء کمیسیون هستم باین مطلب بیشتر اهمیت میدهم بمقتضای دولت نباید در همه جایك نظر استفاده داشته باشد من جمله در همین قضیه قالی است که نظر استفاده منجر به خسارت کلی می شود پس حالا که تنها صادرات مملکت مامعصر همین است خوب است که در تکمیل و رفیع نواقص آن بکوشند و عمده تر از همه استعمال رنگ جوهر است در قالی و از این کار هم باین ترتیب نمی شود جلوگیری کرد که دولت قذف کند جوهر نباید استعمال شود .

بنده تصور می کنم اگر در کمیسیون فوائد عامه مجمعی از تجار متخصص که بنده اطلاع دارم تشریف بیاورند و آقای ارباب هم تشریف بیاورند و این مسئله بطوری که باید و شاید مطرح شود و کمیسیون يك تصمیمی اتخاذ کند برای جلوگیری از استعمال رنگ جوهری و ترویج استعمال رنگ ثابت در قالیها يك اقدامات عملی تری بشود فعلاً در بعضی از مراکز که قالی بافی است مثل حدود بختیاری و بروجرد و غیره تمام قالی هایش دارای رنگ ثابت است و بعضی اینکه عشور این قالی ها را موقوف بداریم يك تجارت مهم صدمه می زنیم و رنگ ثابت بکلی از بین می رود و تمام قالی ها جوهری می شود و بالاخره قالیهای جوهری هم در اروپا فیر مرغوب و رد خواهد شد این بود که لازم دیدم بعرض آقایان برسانم که در این قضیه مهم قدری تأمل بیشتر بفرمائید و این مطلب بکمیسیون رجوع شود تا نظریات دولت هم جلب شود و از

وزارت فوائد عامه که (متأسفانه) اطلاعات عمیق ندارد) کسب اطلاع بشود و نظریات تجار هم به آن ضمیمه شده يك راپورت جامعی بمجلس تقدیم نمایند

رئیس - آقای آقا سید فاضل مخالفید ؟

آقا سید فاضل بلی بنده به این پیشنهاد آقای مستشار السلطنه مخالفم و اگر اجازه میدهند آنچه بنظر من میرسد در اصل قضیه و راجع به پیشنهاد عرض کنم .

رئیس - اصل قضیه فعلاً مطرح نیست - پیشنهاد آقای مستشار السلطنه مطرح است

آقا سید فاضل - باین پیشنهاد مخالفم .

اولاً بعضی از قسمت ها را آقای محقق العلماء فرمودند و دیگر محتاج بتذکر نیست و البته سیادت هر مملکت بسته به تجارت آن است و مثل دو دوتا چهارتا که از اصول محققه بدیهیه است همین طور هم مسلم و واضح است که سیادت هر مملکت و ملت منوط بروج تجارت آن مملکت است .

رئیس - مسئله راجع است بازاجع به کمیسیون .

آقای سید فاضل - بلی در این موضوع

هم بنده گمان این است که پیشنهاد آقای مستشار السلطنه عملی نیست و بالاخره منجر می شود بعدم نتیجه به جهت اینکه بنده که یکی از اعضاء کمیسیون فوائد عامه هستم کاملاً اطلاع دارم و اگر آقایان هم تشریف بیاورند آنجا بصورت واردات و صادراتی که در کمیسیون است مراجعه نمایند می بینید حقیقتاً خیلی رقت انگیز است و نمی شود بگوش شنید که وضع واردات و صادرات این مملکت چیست و بالاخره آنچه با دولت در این موضوع مذاکره شد نتیجه نداشت و فعلاً گمان می کنم که این پیشنهاد آقای مستشار السلطنه مطابق است با عدم نتیجه باین معنی که کاری برای این تجارت بیچاره و در مانده که تمام وراثتی شان منحصر شده است باین چهار تا قالی صورت نخواهد گرفت و بخصوص با این ماشین امتحانی که وارد کرده اند که قالی ثابت را بی رنگ میکند مگر اینکه قالی سفید باشد و بالاخره همانطوری که آقای ارباب بیان کردند کلیتاً قالی رنگ ثابت و غیر ثابت تمام از میان می رود بنده عقیده ام این است که این پیشنهاد منطقی و عملی نیست و چاره بدرد مردم ایران نمی کند و تقاضای کنم عمن پیشنهادی که خود بنده کردم آقایان نمایندگان رای بدهند که فرق بین قالی های جوهری و غیر جوهری در تعرفه گمرکی نباشد .

رئیس - گمان می کنم که مذاکرات در این پیشنهاد کافی باشد .

(گفتند کافی است)

رئیس - باید رای بگیریم به -

پیشنهاد آقای مستشار السلطنه که ارجاع شود به کمیسیون یا نه آقایانی که تصویب می کنند که ارجاع شود به کمیسیون فوائد عامه قیام نمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . برمی گردیم به پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو آقای سدیدالملک موافقت .

سدیدالملک - بنده با یک قسمت آن موافق و با یک قسمت آن مخالفم .

رئیس - آقای دولت آبادی

حاج میرزا علی محمد مخالفم .

رئیس - آقای سهام السلطان

سهام السلطان - موافقم .

رئیس - بفرمائید .

سهام السلطان - در باب قالی جوهری و غیر جوهری اینجا مذاکراتی شد بعضی از آقایان عقیده داشتند که قالی جوهری برای تجارت مضر است و بالنتیجه تجارت قالی را از بین خواهد بود ولی آنچه بنده اطلاع دارم بمرض آقایان میرسانم چون در عراق رشته تجارت قالی خیلی زیاد و توسعه دارد قالی دارای اقسام مختلفه است امروز قالی از ذره سی تومان و چهار تومان هست الی ذره بیست تومان سی تومان پنجاه تومان قالی هائی که سنگین قیمت است به جاهای مخصوصه نقل می شود قالی هائی که سبک قیمت و جوهری است برای نقاط دیگر حمل می شود در آنجا هائی که قالی جوهری و سبک قیمت را می خرند قالی های سنگین قیمت خریدار ندارد .

مثلا قالی هائی که سابقا بطرف روسیه و حالا بطرف بغداد حمل می شود باید قیمتش خیلی ارزان باشد و باید موافق میل آنها قالی را حمل کنند اگر بدقت ملاحظه بفرمائید می بینید که رنگ ثابت خیلی گران تمام می شود پس آن جا هائی که قالی سبک قیمت می خرند نقاطی است که قالی های ثابت خریدار ندارد ولی برای امریکا و اروپا يك ذره قالی جوهری فرستاده نمی شود - موافق میل و دستوراتی که برای تجارت می فرستند مطابق همان دستور و نقشه قالی تهیه و حمل می کنند .

اگر چنانچه قالی جوهری قلعن شود آنوقت در نقاطی که این قبیل اتمه بفروش میرسد دیگر قالی های سنگین قیمت بفروش نمی رسد و همچنین ممکن نیست که نقشه دستور يك نقطه را برای نقطه دیگر که مصرف ندارد فرستاد علاوه بر این همان طوری که آقای ارباب اظهار فرمودند رنگهای ثابتی که در ایران درست می کنند غیر ممکن است که با دوا یا پارچه سفید رنگ پس ندهد .

مثلا اگر يك پارچه سفیدی را روی قالی های ثابت بمالند هر قدر هم که رنگش ثابت باشد باز آن رنگ در آن ظاهر می شود چه برسد باینکه دوا بزنند و البته هر قالی

ثابت هم که باشد رنگ پس می دهد و باین لحاظ اسباب زحمت تجار از این حیث فراهم می شود تقریبا ۳ چهار سال است که تجار گرفتار این اوضاع هستند و بواسطه همین جلوگیری کار تجار ایرانی خیلی سخت شده است ولی برای سایرین این قلعن اسباب گشایش شده و تجارت اروپائی ها با ایرانی ها در این زمینه خیلی فرق کرده است .

پس به عقیده بنده همانطور که آقای ارباب پیشنهاد کرده اند چون این مالیات از طرف مجلس وضع نشده است فعلا گرفته نشود

اگر دولت دلائلی دارد که بآن دلائل می تواند نمایندگان را قانع کند يك لایحه جدیدی بنویسد و به کمیسیون فوائد عامه فرستاده شود و در آنجا کاملا رسیدگی نموده و آنچه لازم دقت نظر است بعمل آورده و نتیجه را به مجلس بفرستند آن وقت در این جا هر طور که صلاح و مصلحت است اقدام شود والا اگر این اقدام را بکنیم يك لطمه بزرگی به تجارت ایران و تجار ایرانی وارد آورده ایم از يك طرف قالی های سیست بفروش میرسد و قالی های هالی هم فرستاده نخواهد شد و از این حیث يك ضرر و خسارت خیلی وارد می آید و از طرف دیگر چون تجار ایرانی نمی توانند قالی های جوهری را حمل نقل کنند و در گمرک اسباب زحمت میشود مجبورند که تجارت خارجی را ترک کنند و این تجارت خارجی هم به اروپائی ها معمول می شود .

این است که به عقیده بنده باین پیشنهاد رأی داده و اگر دولت نظری دارد در تانی اظهار کند .

رئیس - آقای سدیدالملک

(اجازه)

سدیدالملک - بنده عرض کردم با عشوری که دولت می گیرد مخالفم .

رئیس - پس با پیشنهاد ارباب موافقت ؟

سدیدالملک - بلی موافقم

رئیس - آقای حاجی میرزا علی محمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - چون بنده در کمیسیون عرایض هستم و از موضوع این تلگرافات اطلاع دارم لذا لازم دانستم که خاطر آقایان را کاملا تذکر بدهم باینکه سابق بر این در گمرک از قالی ثابت صدی شش میگرفتند و از قالی غیر ثابت میخواستند صدی هجده بگیرند و باین واسطه تجار تلگراف کردند که تجارت مامعطل مانده و قالی های مادران را می پوسد و خراب میشود و استغاثه کرده بودند که يك علاجی در این باب بشود از طرف کمیسیون عرایض هم اقداماتی شده و بدولت نوشته

شد پس از چند روزی در جواب کمیسیون نوشته بودند که قرار شده است صد دوازده دریافت نمایند ماهم بر حسب معمول چیز را که دولت بمجلس نوشته بود به شاکیان ابلاغ کردیم بعد از چند روز این تلگرافی که حالا آمده است از تجار رسیده و معلوم میشود که صد دوازده هم راضی نیستند و تقاضای تجار همان صدی شش بوده یعنی همانطوریکه دولت از قالی های ثابت صدی شش میگرفت از این قالی ها هم صدی شش بگیرد و تقاضای تجار این بود نه اینکه از قالی جوهری هیچ گمرک گرفته نشود این مطلب بعضی اطلاع عرض شد اما يك نکته دیگری هم که لازم بود خدمت آقایان عرض کنم این است قالی هائی که در خارجه به قیمت گزاف فروخته میشود اغلب بواسطه دوسه کمیانی آمریکائی و غیر آمریکائی است که در عراق و کرمان و جاهای دیگری تأسیس شده است و آن ها ب مردم پول پیش می دهند که قالی می بافند و تجارت خوبی هم میکنند و به توسط آن کمیانی ها سالی چندین میلیون قالی از ایران بخارجه فرستاده شود اما قالی هائی که جوهری کم قیمت است اینها دست خود تجار ایرانی است و ربطی بآن کمیانی ها ندارد خود رعایا می بافند و تجار می فروشند و تجار هم حمل میکنند و اگر آن کمیانی ها اتفاقا از این قالی های جوهری بگیرند خیلی کم و مختصر است . این بود که کمیسیون هم عقیده داشت باینکه باینکه اصلا از این قالی ها مالیات گرفت باینکه نهایت همان صدی شش که از قالی ثابت گرفته میشود از قالی جوهری نیز گرفته میشود - ولی همانطور که آقایان فرمودند البته باید صنعت ایران را ترفی داده و جلوگیری از استعمال جوهر نمود خدمت آقایان عرض میکنم که همین سارچه ها پنجه را منی سه قران از ما میخرند و منی پنجاه تومان به ما می فروشند در صورتیکه خیلی قلب و بد است و دوروز هم بیشتر دوام ندارد البته هم همه قسم جنس باید حمل شود و به عقیده بنده نباید جلو تجارت را گرفت ولی کوشش کرد از برای اینکه رنگ جوهری کار نکنند و رنگ قالی های ماثبات باشد حالا اگر بعضی از آقایان مایل هستند که این مالیات اصلا گرفته نشود می ماند ولی آن قدر رامسبوق باشید که خود تجار راضی بودند از قرار صدش بدهند و این مطلب را هم خواستم خدمت آقایان عرض کنم - بنده معتقد باینکه تعرفه گمرکی باین نحو که فعلا هست باید اجرا شود نیست ولی معتقدم که باید يك نظر کاملی در آن بشود و نباید گفت که کمیانی های خارجی که می آیند در این مملکت نباید دولت از آن ها هم فایده ببرد مثلا در کرمان یا عراق کمیانی هائی هستند که ملین ها از همین تجارت قالی فایده میبرند

نبایستی بکلی از آن فایده هم صرف نظر کرد عقیده بنده این است که عیالتا نسبت بآن تعرفه قدیم مادست نزنیم و همان طور که آقای آقا سید فاضل پیشنهاد کرده اند بدولت گفته شود که زیاد تر از صدی شش نگیرند یا اینکه اگر معتقدند بگرفتن گمرک و بایستی این تجارت را توسعه داد باید از تمام آن ها صرف نظر کرد

رئیس - آقای سدیدالملک

(اجازه)

سدیدالملک - بنده قبالا عرض می کنم هر مملکتی که صادراتش کمتر از وارداتش باشد آن مملکت استقلالش متزلزل است و باید کاری کرد که صادرات بر واردات فزونی پیدا کند تمام این جنگهای بین المللی که شکل سیاسی بخودش گرفته برای تجارت است بدبختانه در مملکت ما عوض این که گمرک را بر واردات و اشیا و کس و زینت ببندیم بر صادرات می بندیم وقتی بر واردات گمرک نیستیم همیشه پول از مملکت ما بیرون میرود و ۲ سال دیگر در این مملکت دیناری نیست که عوض مالیات بدهند اگر دولت گمرک را از صادرات بردارد و در عوض بر گمرک واردات بیاورد آنوقت بهتر می تواند کار کند بدبختانه اگر يك ایرانی مال التجاره هم از اروپا بیاورد در داخل بحر خزر توقف می شود و نمی گذارند که مال التجاره وارد این مملکت بشود و گذشته از اینها این مالیات عشوری که بر قالی بسته شده است قانونی نیست زیرا کلیتاً مالیات باید از طرف مجلس شورای ملی وضع شود و من عقیده ام این است که دولت این گمرک را از صادرات بردارد و در عوض بر واردات تحمیلی و اشیا و کس تحمیل نماید رئیس - اگر آقایان موافقت چند دقیقه تنفس شود بعد از تنفس این مذاکرات ادامه شود .

در این موقع جلسه برای تنفس تعاملاً و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید .

رئیس - دو نفر از آقایان نمایندگان پیشنهاد کردند قرائت میشود رأی می گیریم .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می نمایند که مذاکره راجع بقالی بمجلسه روز سه شنبه موکول شود تا در ظرف این چند روز کتابچه را که کمیسیون رسیدگی بمطالعات تجار تهیه کرده طبع و بین آقایان نمایندگان توزیع شود .

رئیس - آقای آقا سید محمد باقر دست غیب

(اجازه)

آقا سید محمد باقر - همه آقایان تصدیق می فرمایند که مالیات باید بتصویب مجلس باشد یعنی دولت نمی تواند تصویب مالیاتی بکنند مگر اینکه مجلس اجازه بدهد و بدون اجازه مجلس هیچ مالیاتی صورت

قانونیت ندارد و هیچکس هم نباید مالیات بدهد موضوعی که مطرح مذاکره است این است که فعلا مالیاتی بر قالی جوهری بسته شده است و آیا این را مجلس تصویب کرده است یا خیر؟

معلوم است که مجلس این مالیات را تصویب نکرده است. تجارت شکایت می کنند که بعد از اینکه مجلس گرفتن مالیات قالی جوهری را تصویب کرده است در حالی که اسباب زمین خوردن تجارت ایران خواهد شد چه صورتی دارد؟

آقایان باید این طور جواب بدهند که فعلا گرفته شود تا بعد مجلس در این باب رسیدگی کرده و رأی خودش را بدهد این خیلی منطقی و برهانی است و هیچ محتاج نیست که در مجلس موافق یا مخالفی پیدا شود و رأی گرفته شود؟ تجارت می گویند این مالیات بتصویب مجلس رسیده است یا خیر؟

مجلس جواب می دهد خیر. پس باید گرفته نشود بنده عقیده ام این است که مجلس يك چیزی به پشت دولت بنویسد که چون مالیات قالی جوهری بتصویب مجلس نرسیده است بایستی مطالبه نشود تا مجلس در این باب تصمیمی بگیرد؟

رئیس - آقای شیخ المراقین زاده موافقت؟

شیخ المراقین زاده - بنده در این باب اجازه نخواسته بودم.

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - در موقع تنفس که با آقایان نمایندگان مذاکره میکردیم بعضی از آقایان از موضوع قالی و حقوقی که از آن گرفته می شود ابداء اطلاع نداشتند و هم تصور میکردند که جدیداً يك مالیات با يك کمربندی وضع شده در صورتی که تقریباً از سنه ۱۳۲۷ تا امروز سیزده سال است که مذاکره قالی پیش دولت و تجارت در جریان است دولت هم تصور کرده است که قالی های جوهری در بازار دنیا قسمت ندارد و نکت در قیمت قالی پیدا می شود باین جهت در صدور جلوگیری از صدور قالی جوهری برآمده تا اینکه رنگهای آنها ثابت گردد و آقایان تجارت تصور می کنند که اگر مالیاتی وضع کنند و حقوقی بگیرند آنوقت تجارت قالی نکت پیدا می نماید تا اینکه بالاخره در سال ۲۷ يك کمیسیون منعقد کرده اند و در آن کمیسیون آقایان اهل خیره هم حضور داشته اند و مجمع تجارت طهران را که راجع بقالی اطلاعات داشته اند با آن کمیسیون دعوت کرده اند و با حضور آنها مذاکراتی نموده تجارت شکایات و تظلم ها و حرف های حسابی خودشان را در آن کمیسیون اظهار کرده اند و اعضای کمیسیون هم که یکی از آنها آقای فهیم الملك بوده اند جواب هایی که بتجار داده اند و

بعد راپورت مذاکرات کمیسیون راپهشت وزراء تقدیم نموده و آن را چاپ کرده اند و آن کتابچه الان موجود است و تمام وقایع را از اول تا آخر نوشته است مذاکرات تجارت و اعتراضات آنها در آن جا هست و همچنین جواب هایی که از طرف کمیسیون بآنها داده شده است در آن جا می باشد خوب است آقایان صبر کنند تا روز شنبه و در ظرف این چندروز آن کتابچه را طبع کنند و بین نمایندگان توزیع شود تا آقایان نمایندگان با يك اطلاع تمامی در این موضوع داخل مباحثه بشوند

عجالتاً اغلب آقایان همچو تصویری کنند که این مالیات را دیروز وزارت فوائد عامه بر قالی وضع کرده در صورتی که موضوع راجع بسیزده سال قبل باین طرف است

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - از فرمایشات شاهزاده معلوم شد که سیزده سال است این مالیات را بر خلاف قانون می گرفته اند و امروز تازه مطرح مذاکره شده است البته گیرنده این مالیات بسیار عمل زشتی نموده در این موقع مجلس چه می تواند بکند

آیا غیر از اینکه بگویند چون آن تعرفه را مجلس تصویب ننمود من بعد نباید گرفته شود کار دیگری می تواند بکنند؟ البته از طرف دولت لایحه در این باب بمجلس آمده و در اطراف آن دقت شد در صورتی که مقتضی است داده خواهد شد مقصود این است بر فرض هم این لایحه را بگذاریم تا شب شنبه در آن باب صحبت نمائیم تازه باز هم نمی توانیم شب شنبه رأی بگیرفتن این تعرفه بدهیم و باید بگوئیم فعلا نباید گرفته شود و بعقیده بنده این مسئله محتاج باین نیست که کتابچه کمیسیون طبع و توزیع شود و در نزد اشخاص که در این باب تخصص دارند و مدت چندین سال است داخل این کار هستند این مسئله هم محتاج بفکر نیست این است که بطور اختصار عرض میکنم تجارت باید مطلقاً آزاد باشد

زیرا اگر حقیقاً قالی جوهری خریدار نمی داشت حمل بخارج نمی نمودند آن هائی که این قالی ها را می خرند می دانند که این قالی ها جوهری است و قیمت جوهری و غیر جوهری هم فرق دارد حالا ما باینهمه بآنها بگوئیم چون توانا بالغ نیستی و نمی فهمی باینجهت نباید قالی جوهری بخری این مسئله اجرا شدنی نیست و البته آن کسی هم که قالی می خرد قالی ده تومانی را ۲۰ تومان نمی خرد

رئیس - این مذاکرات که سر

کار میفرمائید راجع باصل مطلب است ولی پیشنهادی که ایشان کرده اند راجع بدستور است

آقا میرزا علی کازرونی - بسیار خوب بنده هم راجع باین پیشنهاد عرض می کنم که بنده عقیده ام این است که هیچ او برای مجلس فرق نمی کند که این است که هیچ از برای مجلس فرق نمی کند که این مذاکرات موکول بجلسه شنبه بشود یا نشود و باین لایحه را طبع و توزیع بکنند یا نکنند

خلاصه باید گفت این مالیاتی که بدون قانون گرفته میشود باید گرفته نشود

رئیس - آقای فهیم الملك (اجازه)

فهیم الملك - بنده بسیار متأسفم آقایانی که باید از وضعیت تجارتی آشنائی داشته باشند هنوز درست بمفهوم آزادی تجارت پی نبرده اند

بهر حال چون از موضوع خارج است عرضی ندارم پیشنهادی که شاهزاده اقبال السلطان فرموده اند يك سابقه مفصلی دارد و چیزی نیست که بسهولت بتوان در آن اظهار عقیده نمود

آقایان می فرمایند مالیاتی وضع شده و سیزده سال است این مالیات گرفته میشود خیر ابداً این مسئله مالیات نیست اگر به راپورت آن کمیسیون که برای رسیدگی این مسئله معین شده بود مراجعه فرمائید ملاحظه خواهید کرد که در ظرف این چندین سال دولت چندین دفعه برای اینکه از يك طرف قالی های جوهری موجود را خارج بکنند از طرف دیگر اداراتی برای تهیه رنگهای ثابت تاسیس نمایند مهلت داده است و همین جهت در اغلب نقاط هم که کارخانجات قالی بافی دارد دستور گرفته اند و با همان مضارح رنگهای ثابت تهیه می نمایند مقصود این است که تمام این توضیحات در راپورت کمیسیون نوشته شده چه ضرر دارد آقایان آن راپورت را مطالعه نموده تا اطلاعاتشان کامل شده و از روی دقت رأی بدهند و بعد از ۱۴ سال دوسه روز هم عیبی ندارد در اطراف آن دقت بشود و اسم مالیات هم نباید در روی این مسئله گذاشت زیرا این يك جریمه است که دولت از اشخاص که قالی جوهری از مملکت خارج میکنند بگیرد بنابراین اطلاق مالیات بر او نمیشود

رئیس - راجع به پیشنهاد آقای اقبال السلطان مجلس مذاکرات را کافی نمی داند؟

(گفته شد کافی است)

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای اقبال السلطان آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است آقای محمد هاشم میرزا از آقای رئیس الوزرا راجع بحکومت دزدان سوالی دارند

محمد هاشم میرزا - بنده این سوال را چندی قبل نمودم و انجام هم یافت حالا دیگر گمان نمی کنم موضوعی داشته باشد بجهت اینکه حکومت را تغییر دادند و البته در این صورت وقت مجلس هدر خواهد شد

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی سوالی دارند؟

حاج میرزا مرتضی - مطابق راپورتی که ایالت فارس تقدیم مقام ریاست وزراء نموده بود يك عده از سارقین فارس دستگیر شده اند و قلاع آنها بتصرف دولت درآمده است و املاك آن ها را خالصه نموده اند.

مبعوضم از آقای رئیس الوزرا حثوال نمایم که اولاً باید در مقابل مال التجاره که از تجار یزد و حکمران برده شده بهمین اندازه قناعت می نمایند و با اقدامات موثر تری برای استرداد مال التجاره آن ها بعمل خواهند آورد.

رئیس الوزرا - از قراریکه راپورت رسیده چندین فقره از سرقت هائی که در محال فارس شد کشف شده و يك قسمتی از آنها را بصاحبانش مسترد داشته اند از قراریکه تلگرافی که از فارس رسیده اموالی که کشف شده يك فقره هشتصد تومان بوده و يك فقره هم بیست و یک هزار تومان و فقره دیگر هم مسئله قلاع و اراضی که ضبط شده در باب هشتصد تومان و بیست و یک هزار تومان گویا بصاحبانش مسترد شده ولی در باب قلاع و اراضی که بتصرف دولت درآمده این تصرف برای این بوده است که از خرابی وحیف میل محفوظ بماند و بوالی فارس دستور داده شده که يك کمیسیون برای تخمین قیمت اموال مضبوطه آن ها و تهیه صورتی از اشخاص که اموالشان در خط فارس غارت شده تشکیل دهند و نتیجه را اطلاع دهند و بحکومت بزرگم دستور داده خواهد شد که آنها هم صورتی ترتیب بدهند و البته بعد از اینکه این صورت تهیه شد اقدامات لازمه در استرداد اموالشان خواهد شد.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - از قرار مراسله که از وزارت داخله بکمیسیون عرایض رسیده این املاك بعنوان املاك خالصه ضبط شده این است که عرض میکنم این اموال باید در مقابل مال التجاره هائی که از تجار سرقت شده بآنها مسترد گردد.

رئیس الوزرا - عجالتاً وقتی که در ضبط دولت است بعنوان املاك دولتی

استولی بعد در آن باب تصمیمی اتخاذ خواهد شد و اشخاصی که خسارت دیده اند اگر طالب باشند عین ملك و در صورتی که نخواهند قیمت ملك بآنها مسترد خواهد شد. در هر صورت این يك تصمیمی است که بعد باید اتخاذ شود.

رئیس - آقای شیخ الاسلام نمایندہ اصفهان راجع بجواهرات دولتی سؤالی دارند.

شیخ الاسلام اصفهانی - راجع
جواهرات دولتی سابقا در مجلس بعضی سؤالات از آقای رئیس الوزراء شده و نتیجه آن سؤالات را نفهمیدم. يك سواد راپورتی هم اخیراً از وزارت مالیه تقدیم مجلس شده است و اصل آن راپورت از طرف آقای مرات الممالك مستوفی به بیوتات داده شده ولی چیزی که هست این است که اولاً این راپورت راجع به سه سال قبل است و معلوم نیست پس از آن چه تغییراتی روی داده ثانیاً راپورت بطور اجمال و اختصار نوشته شده و راپورت مشروح تری لازم است در هر حال از آقای رئیس الوزراء سؤالی می نمایم که آیا در جمع و ضبط مصونیت وجواهرات لئی اخیراً اقداماتی نموده اند یا خیر و بر ض هم که اقداماتی فرموده باشند آیا کن است اقدامات خود را دو قسمت فرمایند که یک قسمت راجع به ضبط و مصونیت به جواهرات و قسمت دیگر راجع به جمع وری اشباع وجواهراتی که متفرق شده است باشد مقصود این است که این دو قسمت اقدام متناهی باشد تا این قسمت هم که موجود است در حال نزول نباشد.

رئیس الوزراء - در این مسئله کلیتاً از طرف دولت اقداماتی شده است ولی فعلاً نتیجه قطعی آنرا نمی توانم بعرض برسانم و البته در موقتی که نتیجه قطعی حاصل شد بعرض مجلس خواهد رسید.

رئیس - آقای مستشار السلطنه راجع باداره قشونی بر وجود از آقای وزیر جنگ سؤالی داشتند.

مستشار السلطنه - سؤال بنده از آقای وزیر جنگ منقسم به سه قسمت می شود قسم اول این است که بموجب مراسلاتی که از پرورد رسیده است رئیس قشون آنجا از تجار استقراض نموده البته با بودن مجلس شورای ملی و علاقه بیک مجلس به آسایش افراد قشون و رساندن حقوق آن ها بطور مرتب دارد گمان می کنم این نکته هم قابل توجه باشد که تجار مملکت خصوصاً تجار پرورد هم باید به هم خود را امنیت و رفاه باشند قسمت ثانی سؤال بنده راجع بتجار پرورد است که یک مقدار مهمی از تریاک آن ها با تاناکسی که قبلاً دریافت میشد باندرل الصاق نموده اند بعد از تصمیم جدیدی که وزارت جنگ راجع بتخفیف تاناکس تریاک در ادارات تجدید اتخاذ نموده اند

طبعاً آن مقدار تریاک که با تاناکس سابق باندرل شده بایستی بقیمت نازل تر بفروش برسد و از این رو ضرری متوجه آن ها نخواهد شد بنابراین سؤال می کنم که آیا اداره مالیات غیر مستقیم چه تکلیفی از برای آن مقدار تریاک و تجارت معین نموده تا تریاک هائی که در راه است به قیمت عادلانه بفروش برسد و ضرری متوجه تجارت نشود

قسمت سوم سؤال بنده راجع بیودجه
وزارت جنگ است باز با اطلاعی که مجلس شورای ملی در آسایش حال افراد قشون دارد می خواستم بپیم آیا بودجه وزارت جنگ حاضر شده است یا خیر و در صورتی که تهیه شده باشد چه وقت تقدیم مجلس خواهد شد؟ بالاخره در این سه فقره سؤال آیا ممکن است جواب هائی که بنده را اقناع نماید بدهند یا خیر؟

وزیر جنگ - اولاً راجع باستقراض که فرمودند رئیس قشون پرورد از تجاران جا نموده صحیح است ولی این قشون ژاندارم های سابق بوده اند و وزارت جنگ هم مشغول رسیدگی به مسائل آنها می باشد ثانیاً راجع بمالیات غیر مستقیم چون سابق در هر ولایتی يك تاناکس معینی داشت مثلاً در يك شهر سی و يك شاهی و در يك شهر دیگر بیست و یک شاهی و در شهر ثالث مبلغ دیگری می گرفتند این بود که در هیئت وزراء تصمیم گرفته شد که در همه جا بطور تساوی باندرل تریاک الصاق شده و برای تجاری هم که سابقاً تریاک را بقیمت سی و یک شاهی باندرل کرده بودند دستور داده شد که در آتی در مورد الصاق باندرل جدید جبران خسارت آنها بشود راجع بقسمت اخیر یعنی راجع به بودجه وزارت جنگ گمان نمی کنم در ارسال آن تأخیری شده باشد زیرا بودجه وزارت جنگ را ۳ مرتبه نزد من آورده اند و خودم شخصاً ایراد کردم و دو مرتبه برای تجدید نظر فرستادم و دلیل هم این بوده است که در وزارت جنگ اشخاص مطلعی که بتوانند بودجه ۹ میلیونی را بطور کامل در ظرف یکماه تهیه نمایند نداشته ایم و تاخیر ارسال آن بواسطه نواقص آن بوده است و گمان می کنم در ظرف دوسه روز دیگر تهیه و تقدیم شود

رئیس - سؤال آقای مستشار السلطنه بطوری که در این جابجاست فقط راجع باداره قشونی پرورد بود ما بقی را ضمیمه کرده اند آقای مستشار السلطنه از آقای وزیر فواید عامه راجع بصید ماهی حلال و حرام بحر خزر سؤالی دارند

مستشار السلطنه - مطالبات جرایم بنده را مجبور نموده سؤالی نمایم که آیا راجع بصید ماهی حلال و حرام در سواحل بحر خزر وزارت فواید عامه

چه اقدامی نموده اند آیا می توانند نتیجه اقدامات خود را بعرض مجلس برسانند یا خیر؟

معاون وزارت فواید عامه - راجع به صید ماهی در سواحل بحر خزر اخیراً تصمیمی اتخاذ شده است که نتیجه آنرا در جلسه بعد عرض خواهم کرد

رئیس - آقای حاج شیخ اسداله راجع بیودجه طرق و شوارع و اصلاح راه های شوسه سؤالی دارند

حاج شیخ اسدالله - سؤال بنده راجع بیودجه طرق و شوارع و راه های شوسه است که امروز در تصرف دولت است يك راه های شوسه را امروز دولت دارا است که اگر آنها را درست توجه نماید ممکن است راه های دیگری در ایران از پرتو این راه ها برای هابرین آماده شود آنچه که معلوم است این طرقي که در آن ها خرجها شده و زحمت ها کشیده شده در تحت تاثیر يك خرابی های فوق العاده که از قشون اجنبی باین مملکت وارد آمده به تصرف ایران در آمده است حالانکه می شود بواسطه سهل انگاری وعدم مواظبت آن راه ها را در هرابی و انهدام گذارده در صورتی که حق العبور هم از هابرین دریافت می دارند و يك فقره از آن حق العبور همان باج راه عراق عرب است که آقای رفعت الدوله می فرمودند از انومیل هم حق العبور می گیرند حالا داخل آن موضوع نمی شویم سؤال بنده راجع بطرق و حق العبور است که از آن گرفته می شود چون تا بحال هیچ بودجه راجع باین طرق به مجلس نیامده است و مجلس شورای ملی هم ابتدا از ترتیب اداره طرق و شوارع اطلاعی ندارد و معلوم نیست از روی چه صورت و ماخذی این حق العبور گرفته می شود و صورت جمع و خرج آن چیست؟

خواستم از آقای معاون سؤال نمایم که آیا وزارت فواید عامه راجع براه های شوسه که رو با نهادم هست چه تصمیمی اتخاذ نموده اند؟ و بودجه آن را چه وقت بمجلس می آورند و راجع بآن چه خیال دارند؟

آیا بزمایه می گذارند و یا اینکه بودجه برای آن ترتیب می دهند.

معاون وزارت فواید عامه - در موضوع سؤالاتی که بنده امشب حاضر برای جواب آن شده ام فقط دو فقره است يك فقره راجع به سؤال نماینده محترم آقای مؤتمن السلطنه در موضوع راه مشهد و سیستان و فقره دیگر راجع بجواب سؤال آقای گلزارانی در موضوع راه شیراز می باشد ولی در موضوع سؤال آقای مستشار السلطنه سابقاً به بنده اطلاع نداده بودند تا نظریه کامل خود را عرض کنم راجع براه شمال هم که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند در اطراف این

مسئله خیلی مذاکرات شده و اهمیت فوق العاده کسب نمودم بقسمی که آقای وزیر فواید عامه برای اینکه شخصاً رسیدگی باین امر نموده و راه شمال را معاينه کرده باشند و از ترتیب خرج و دخل اطلاع حاصل کنند چند روز قبل مسافرتی بخوار و شمال کردند و همان طور که بعرض مجلس رسانیده بودند نظریه شان از این مشافرت همین بود که اطلاعات کاملی از جزئیات این امر حاصل نمودند تا در مقابل سؤالات آقایان نمایندگان از روی اطمینان جواب داده باشند و البته پس از مراجعت در مقابل این سؤالات توضیحات کافی خواهند داد

رئیس - این سؤال در سوم برج حوت گذشته بوزارت فواید عامه ابلاغ شده است.

آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - چنانکه آقای رئیس فرمودند دوماه و چیزی کم می شود که بنده این سؤال را نمودم و از طرف مقام ریاست هم بوزارت فواید عامه برای سرکشی و اتخاذ نظریاتی برای اصلاح راه فرمودند این مسئله خودش خیلی اسباب امیدوار است و انشاء الله تصمیم صحیحی اتخاذ خواهند نمود.

ولی آیا این قسمت را ممکن است آقای معاون جواب بفرمایند که در این مدت دخالت وزارت فواید عامه در این طرق و شوارع عایداتش چه مقدار بوده و مخارجش چه میزان و آیا يك حق ثابتی برای این راه ها معین شده است یا اینکه هر اداره مطابق دستور العمل خاصی و بمیل رئیس اداره باج راه را دریافت می نمایند؟

معاون وزارت فواید عامه - آقای وزیر فواید عامه هم برای تحقیق همین مسائل و برای تحقیق جزئیات این امر این مسافرت را فرموده اند زیرا صورت آقایانی که در این خصوص بوزارت فواید عامه رسیده بود صورتی نه بود که وزارت خانه را افتتاح نمایند

این بود که آقای وزیر فواید عامه این مسافرت را نمودند و این راه هم يك راه مختصری نیست بلکه راه طولانی است که باید در اطراف آن دقت شده و بعد از يك اطلاعات کافی بعرض مجلس برسد

رئیس - آقای مؤتمن السلطنه سؤالی دارند.

مؤتمن السلطنه - يك قسمت از عرایض بنده بتوسط آقای شیخ اسدالله گفته شد اما موضوع سؤال اصلی بنده راجع براه خراسان است که از مشهد به زرداب معتد است بقراریکه اطلاع حاصل نموده ام این راه بکلی خراب شده است بطوریکه اگر وزارت فواید عامه بذل توجهی نسبت بآن ننماید بیم آن میرود که بعد از بهار بکلی

عبور و مرور از آن منتعش شود و بنده گمان می کنم برای اینکه این راهی که مبلغ کلی برای ساختن آن خرج شده به کلی از بین نرود اگر وزارت فوائد عامه نسبت بآن توجهی بنماید بسیار بموقع باشد این است که بنده تقاضا می کنم آقای معاون وزارت فوائد عامه توضیح بدهند که آقای هیچ اقدامی راجع باین مسئله فرموده اند یا خیر که آیا خیال دارند این راه را اداره نمایند تا این منفعت کلی از بین نرود بانه معاون وزارت فوائد عامه — در این راپورتی که بوزارت فوائد عامه رسیده و البته همانطور که نماینده محترم فرمودند مخارج گزافی برای این راه بمصرف رسیده و وزارت فوائد عامه هم حتی المقدور از خرابی آن جلوگیری خواهد نمود و مخصوصاً در نظر دارد یک مخارج متوسطی برای مدت یکسال با حق العبور معتدلی برای آن تعیین نموده و مبلغی هم برای اصلاحات اولیه اعتبار خواسته شود تا پس از تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده شود

رئیس - آقای کازرانی هم سئوالی دارند؟

آقای میرزا علی کازرانی - من باب مقدمه عرض می کنم که مقصود ما از این سئوال مخالف نیست بلکه تقدیم سئوال از یکطرف و ایراد جواب از طرف دیگر همانطوری است که آقای زنجانی بیان فرمودند بنده اضافه می کنم که غرض ما از سئوال الزام است از طرفی و التزام است از طرف دیگر و علاوه قصد ما تسریع در انجام مقصد است و این مختصر را مقدمتاً عرض کردم حالا وارد اصل سئوال می شوم از قراری که شنیده می شود راه بین شیراز و اصفهان در تصرف شخصی است موسوم به مشهدی علی اکبر کلانتر معروف به قلمر این شخص از کاری و اتومبیل و درشکه و غیره باج راه می گیرد مثلاً از اتومبیل پنجاه تومان عابرین از آباده تا شیراز ایابا و ذهاباً سه تومان و از کاری هم مبلغی دریافت می دارد خواستم از آقای معاون وزارت فوائد عامه سئوال کنم که آیا بوزارت فوائد عامه چنین امتیازی باین شخص داده است یا خیر؟ و یا این را اجازه داده است بانه و بالاخره این راه شوسه شده است که باج راه می گیرند یا خیر؟ اگر هیچکدام از این ها نیست پس بچه عنوان این شخص این پولها را از مردم می گیرد

معاون وزارت فوائد عامه - وزارت فوائد عامه هیچ نوع امتیازی در موضوع اجازه اخذ باجی هم داده نشده است چندی قبل همین طور که فرمودند یک راپورتی بوزارت فوائد عامه رسیده که کمپانی موسوم بشرکت برادران مبادرت باخذ حق العبور می نمایند فوراً بوزارت داخله مراجعه شد که تلگرافی بحکومت فارس و اصفهان بشود که کمال جلوگیری از اشخاصی که باین عناوین اخذ وجوهانی می نمایند بشود و گویا اقدامی هم شده است و مخصوصاً جواب ایالت فارس را وزارت داخله ارسال داشته بودند و بموجب آن قدفن شده است که شرکت برادران

هیچوجه چیزی بعنوان حق العبور نگیرند و ضمناً تذکر داده اند که شرکت برادران خیال دارند این راه را از دولت اجاره نمایند

آقای میرزا علی کازرانی - بلی این نمونه یکی از جنایاتی است که در هر روزه در این مملکت واقع می شود. ملاحظه فرمائید این مملکت دارای حکومت است ولی در این حال اشخاصی پیدا می شوند که مثل راهزنان از مردم پول می گیرند تازه بعد از مدتی دولت مطلع می شود و بعد از اطلاع نتیجه آن این می شود که می گویند قدفن کردیم دیگر پول نگیرند

آیا مسئولیتی هم هست و آیا مجازاتی هم در کار هست؟ بنده که نمی دانم باری بنده خیلی تشکر میکنم از وزارت فوائد عامه که تا این اندازه هم اقدام نمودند و مخصوصاً استدعای کنم اقدامی فرمایند که بمردم حالی شود زمان خود سری بافتهای رسیده و در آتیه از این قبیل اقدامات جلوگیری می شود

رئیس - آقای رئیس التاجار از وزارت امور خارجه سئوالی دارند

رئیس التاجار - موافق اطلاعات متواتری که رسیده است مأمور تذکره مرستان علاوه بر تمهیداتی که در موقع دادن تذکره باتباع ایران کرده و می کنند یک فقره تعدی مشارالیه راجع بقیمت تذکره می باشد در سه چهار سال قبیل که قیمت رویه تنزل کرد و بدو قران رسیده بود مأمور تذکره از دولت اجازه می گیرد که از مسافرتین رویه را از قرار صد عدد بیست تومان دریافت دارد و این ترتیب را تا این اواخر معمول می داشته است در صورتی که قیمت صد عدد رویه چهل تومان رسیده بود و از این قرار از مردم دو برابر حقوق می گرفتند و نصف آن را بدولت می داده است از آقای معاون وزارت خارجه سئوال می کنم که در این باب آیا تحقیقاتی نموده اند یا خیر؟ و در صورتی که رسیده گی کردند و صحبت آن معلوم شده آیا برای این مأمور و وظیفه ناشناس مجازاتی معین نموده اند یا خیر؟

معاون وزارت امور خارجه - این خبر چند روز قبل بوزارت امور خارجه رسیده و همانطور که فرمودید موقمی که صد عدد رویه بیست تومان قیمت داشته بمأمور گفته شده است رویه را از قرار دو قران حساب بکنند و یا همین قران بگیرد ولی بعد هم که قیمت رویه ترقی کرده همین طور که می فرمایند معمول داشته و اخیراً که بما خبر رسیده مأمور تذکره را منفصل نمودیم و از او توضیحات خواسته ایم و البته پس از رسیدگی قرار مجازات او داده خواهد شد

رئیس التاجار - بنده این قسمت را فراموش نمی کنم و بکمال دیگر مجدداً سئوال خواهم کرد که ببینم درباره این مأمور چه مجازاتی اعمال شده است

رئیس - سئوال دیگری راجع بمأمور

جده داشتید؟

رئیس التاجار - بلی اشخاصی که امسال بمکه رفته اند و با مأمور جده ملاقات نموده اند یک ترتیبی از اموال او نقل میکنند که حقیقتاً شنیدن آن باعث تعجب میشود گویا وزارت امور خارجه از اعمال او مطلع شده است. خواستم سئوال کنم یک چنین مأموری که با اتباع ایران این طور معامله کرده مجازات داده خواهد شد یا خیر؟ و آیا وزارت امور خارجه در صدد خواهد بود یک مجازات شدیدی باو بدهد که اقلاً ایرانیها در سالهای بعد راحت باشند یا نه؟

معاون وزارت امور خارجه - در باب مأمور جده تا بحال وزارت امور خارجه شکایتی نرسیده بالعکس راپورت هائی مبنی بر رضایت از ایشان رسیده است خوب است کسانی که اعتراضی دارند بوزارت خارجه رجوع کنند و موارد شکایات خود را معین نمایند تا رسیدگی شود

رئیس التاجار - بنده مدارکی را که آن اشخاص دارند تهیه می کنم و به وزارت امور خارجه می فرستم

رئیس - آقای ارباب کیخسرو سئوالی داشتید؟

ارباب کیخسرو - کدام سئوال را می فرمائید؟

رئیس - راجع بمعاهده ایران و روس و معاهده تجارتی با دول قفقاز

ارباب کیخسرو - سئوالی که از وزارت خارجه داشتم راجع با اجازه بود که مجلس شورای ملی در بیست و سوم قوس گذشته برای مبادله معاهده در تحت بیست و شش ماده استناد بیک مراسله خارجی بین دولتین روس و ایران بدولت داد یک قسمت سئوال بنده این بود که در صورت مبادله بچه صورت آن عهدنامه مبادله شده است تا آقایان نمایندگان ببینند نتیجه آن مراسله که باستناد آن اجازه نامه مبادله داده شده است چه بوده. قسمت دیگر سئوال بنده راجع بمعاهدات با دول قفقاز است هم از جهت اینکه زودتر روابط دوستی و تجارتی بین دولت ایران و آن دول محکم شود و هم راه تجارت باز شود

راجع باین همه خساراتی که در آنجا باتباع ایران وارد آمده نتیجه اتغاض شده است منتظرم آقای معاون وزارت امور خارجه اگر ممکن است جواب این سئوال را بفرمایند

معاون وزارت امور خارجه - اولاً معاهده ایران و روس که از مجلس گذشت بمحضه اعلیحضرت همایونی رسیده و امضای اعلیحضرت هم باستناد همان مراسله سفارت روس بوده است

ولی در موقع مبادله معمول نیست عهدنامه باستناد مراسلات مبادله شود بلکه معاهده اعلیحضرت باید باستناد مراسله باشد و همین طور هم شده است

راجع بمعاهدات تجارتی با دول قفقاز هم بطوری که خاطر سئوال کننده محترم مستحضر است مدتی است آقای ممتازالدوله و هیشکی که با ایشان بقفقاز رفته اند در این خصوص داخل بشکرشته مذاکراتی هستند و از طرف دیگر هم یک لوابح عهدنامه ای تهیه شده است و برای ایشان ارسال شده ولی اشکالاتی در راه مذاکرات ایشان هست که هنوز موفقیت کامل پیدا نکرده اند ولی مذاکرات در جریان است و از طهران هم دستور العمل های کافی مخصوصاً راجع بطرح عهدنامه های مودت با ایشان داده شده است

ارباب کیخسرو - البته در آن قسمت که اظهار فرمودند عهدنامه باستناد بآنرا رساله امضاء شده است رقم نگرانی بنده شد ولی در این جا بیک قسمت سئوالی که بنده کردم جواب مرحمت نفرمودید و آن راجع باموال منهویه ایرانیان بود در قفقاز که در ضمن سوال کردم آیا نماینده ایران داخل مذاکره در این قسمت شده و نتیجه گرفته است یا خیر؟

معاون وزارت امور خارجه - مخصوصاً آقای ممتازالدوله دستور العمل داده شده بود که تصدیق راجع بفشارت وارد باتباع ایران فرمایند و ایشان یک مذاکراتی کرده اند و هنوز از مذاکرات خودشان نتیجه قطعی حاصل نکرده اند و مخصوصاً دستور العمل داده شده که تکلیف خسارات وارده به اتباع ایران را معلوم نمایند

رئیس - سئوال دیگری راجع به عهدنامه بین ایران و آلمان و روسیه

ارباب کیخسرو - از قراری که شنیده میشود در ماه ۱۹۱۲ بین دولت ایران و دولت آلمان یک معاهده بسته شده خواستم سئوال کنم که این مسئله حقیقت دارد یا نه؟ و اگر واقعیت دارد چه شده است که تا بحال بمجلس نیامده

معاون وزارت امور خارجه - در سنه ۱۹۱۲ عهدنامه بین ایران و آلمان مبادله نشده است فقط یک مراسله مبادله شده عهدنامه آلمان همان عهدنامه ای است که از پنجاه سال قبل بین دولتین منعقد شده

رئیس - آقای آقا سید یعقوب در خصوص میر عباس بویر احمدی سئوالی داشتید؟

آقای سید یعقوب - بنده سئوالی نکردم؟

رئیس - گویا فراموش فرموده اید

آقای سید یعقوب - راجع بچه مطلب است؟

رئیس - راجع به میر عباس بویر احمدی؟

آقای سید یعقوب - بلی روزنامه جات فارس از اسطغر و عصر آزاد و گلستان تماماً این مسئله را درج کرده اند و آقایان اهالی اصفهان و فارس کاملاً می دانند که این میر عباس یکی از عشایر و قطاع الطريق بود و در این مدت انقلابات از بویر احمد

حرکت کرد در صحرای وسیع همانچون آمد در این جا با يك عده از اشرار بوی احمدی بعضی از قلاع طایفه کشر را از بین برد و خودش تأسیس قلعه کرده و در آنجا مشغول چپاول بود تا این دفعه که قوای نظامی از شیراز برای تعقیب سارقین حرکت کرد هم او و هم اردشیرخان کَشکول را تعقیب کردند و قلعه میر عباس را ضبط کردند .

در این وقت میر عباس بشیر از آمد و در قنسولخانه رفت پس از اینکه از قنسولخانه دستور العمل گرفت

رفت در طویلۀ ایالت متحصن شد پس از اینکه داد فریاد های زیاد از شکایت - کنندگان بلند شد قنسول دولایعه منتشر کرده و در تحت آن دستور العمل هایی را که بمیر عباس داده بود درج کرده عناصر بیدار یعنی روزنامه جات فارس و احزاب آنجا این مسئله را فوق العاده تعقیب کرده اند که بجه مناسب قنسولخانه راجع بیک دزد شریری که قوای دولت مشغول سرکوبی او است مداخله میکنند این است که بنده از وزارت خارجه سوال میکنم که آیا کارگذاری که شما سالی مبالغی باو مواب میدهند این کار گذار اسم است یا رسم است این رایورت را بشمار داده یا نداده اگر داده است باینکه روابط ما با دول خارجه روابط حسنه است قنسولها در ایالات و ولایات چرا آنقدر نمدی میکنند در مرکز ولایات مردم را پناه میدهند آخر دولت ما با تمام دول روابط حسنه دارد دولتی است مستقل و آزاد ولی در هر جا شریرو دزدی پیدا میشود ملجأش قنسول خانه است آیا دولت چه تصمیمی اتخاذ کرد برای اینکه بگوید این ملت حق استقلال دارد و قنسولخانه ها نباید بکسی پناه بدهند .

معاون وزارت امور خارجه -

مقدمتاً عرض میکنم که برای این سوال بنده دو مرتبه آمدم ولی گرفتاری مجلس ممکن نشد جواب عرض کنم اگر چه يك قسمت سؤال راجع بوزارت داخله است فقط قسمت تعصن او بقنسولخانه که آن هم برای مدت قلیلی بوده راجع بوزارت امور خارجه می باشد بجز در اینکه ما از تعصن او مطلع شدیم فوراً بکار گذار دستور العمل دادیم و ایالت فارس و کار گذار اقداماتی کرده اند و بعد از يك مدت قلیلی او را از تعصن بیرون آورده اند

رئیس - آقای مستشار السلطنه از وزارت داخله سؤال داشتید؟

مستشار السلطنه -

روزنامه ای دیدم که حکومت سمنان مزاحم و نفر از راه یافته و آنهارا بعنوان اینکه مسکوکات قدیمی پیدا کرده اند توقیف و حبس نموده و با داشتن قانون مخصوص برای اینکار میخواستم

به بینم مزاحمت حکومت برای چه بوده ؟

معاون وزارت داخله -

راجع بچند ماه قبل است یعنی تقریباً در اواخر جوزای سال گذشته يك شکایاتی رسیده بود و از اهالی مکاتباتی رسیده بود مبنی بر اینکه در يك خانه چهار کوزه سکه طلای قدیمی پیدا شده و حکومت محل صاحب آن خانه را که ضعیفه بوده جلب کرده است و کسی هم که اظهار کرده بود جلب شده است و بحکومت هم يك نسبتهایی داده بودند که جریمه گرفته است مخصوصاً مجلسی برای رسیدگی مرکب از روسای تمام ادارات محل و از اشخاصی که جلب شده بودند تشکیل شد و رایورت داده اند که استنطاقات مفصلی شده و صورت مجلس تهیه نموده اند و از زمینه صورت مجلس معلوم شد که این مطالب دروغ بوده و اصل سکه کشف نشده و بکلی بی اساس بوده است

رئیس - سؤال دیگری هم از وزارت پست و تلگراف داشتید.

مستشار السلطنه -

آقای وزیر پست و تلگراف مسبوق است که در ماده سی و سوم نظامنامه اجرای قرارداد پستی ۱۹۰۶ در کنگره اتحاد بین المللی قطع شده است که از تمبرهایی که در ملل مختلفه مصرف می شود سه سری یا بیک سری برای هر يك از اعضاء کنگره فرستاده میشود که هر سری دارای تمام اشکال و تمام تمبر هائی است که در يك مملکت معمول شده و آنها جزو اموال مضبوطه هر دولتی ضبط می شود .

از سنه ۱۹۰۶ باینطرف آنچه بنده اطلاع دارم چندین فقره تمبر از هر دولتی برای ایران فرستاده شده و وزیر و مدیر کل پست موسیو مولیر بوده و اینک شنیده می شود که ایشان در شرف حرکت هستند می خواستم ببینم آیا وزیر پست و تلگراف در این مورد بالخصوص اقدامی کرده اند و اطلاهی دارند یا نه و آن کلکسیونهای تمبر در دست دولت هست یا خیر چون قضیه قضیه مهمی است و قیمت آنها به بالغ زیادی تخمین شده البته مجلس شورای ملی علاقمنده است این قضیه حل شود و در صورت تقریباً جلو گیری شود .

وزیر پست و تلگراف -

راجع باین تمبرها همین طور که فرمودند موافق معمول برای تمام دولتی که شریک در اتحاد پستی بین المللی هستند فرستاده می شود و برای ایران هم از زمانی که پستخانه ایران در دست مسیونوز بوده است فرستاده شده ولی متأسفانه تحقیقاتی که بنده در این موضوع پس از قبول مسئولیت کرده ام رضایت بخش نبوده است این تمبرها از زمان مسیونوز کلکسیون نشده

و يك کلکسیونی که لازم بوده است در اداره پست ایران ترتیب داده شده باشد وجود ندارد و عبارت آخری آقایان همچو تصور فرموده اند که این یکنوع کادوهائی است که از روساء و دیر کتورهای ...

ارباب کیخسرو -

لفت فارسی بفرمائید

وزیر پست و تلگراف -

یعنی از طرف مدیرهای دول برای هم دیگر باسم هدیه فرستاده می شود و مسلم است که این مسئله بکصورت عدم رضایتی موجود است بنده پس از این اطلاع از این مقدمه ترتیباتی که برای مرتب کردند کلکسیونهای مربوطه لازم بود دادم و آن دستور العملها عنقریب بموقع اجرا گذاشته می شود

مستشار السلطنه -

بنده اگر عرض کنم متقاعد شدم خلاف عقیده خود را اظهار کرده ام بهیچ وجه متقاعد نشدم زیرا این مسئله خیلی مهم است و تصدیق می فرمائید علاوه بر اینها مقداری اشیاء نفیسه که باید در موزه وزارتخانه مضبوط باشد تفریط شده بنابراین مدیر پست نسبت بسهم خودش قابل تعقیب است و البته تا این مسئله تصفیه نشده به مسافرت مسیومولیر غیر موافق خواهد بود .

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده باز مجبورم از برای این سؤال که بنظر خیلی مختصر می آید شرح مفصلی عرض کنم و گمان می کنم مملکت ما در تمام دنیا مشروطه شفاخته شده و این مسئله واضح است لیکن بعضی عملیات گاهی از اوقات شخص را برترید می اندازد که شاید چنین چیزی نیست این است که عرض می کنم و گمان می کنم والا یقین دارم مملکت مشروطه است در مملکت ما هنوز از برای مردم محقق نشده است که يك کسی که نوکری دارد یا يك رعیت در ملکش دارد او را نباید غلام زرخریه خود بداند همچنین اجزاء ادارات نو کر و روساء و زرخریه عبد و عبیده مدیران ادارات نیستند هنوز این مسئله در افکار مردم داخل نشده در طهران هم در چند قدمی مجلس شورای ملی در وزارتخانه ها هنوز این اصل محقق نشده است چندی قبل بنده این جا عرض کردم خوب است چند جلد قانون اساسی را مجاناً بوزارت خانه ها بفرستیم و بگوئیم این قانون اساسی است و ما باین قانون اساسی قسم خورده ایم يك مطالعه و مراجعه و اظهار التفاتی بفرمائید و در حین عملیات يك نظری هم بآن قانون بفرمائید و بمیل جاطر خودتان فعال مایشاء بحکم مایرید نباشید وقتی که در طهران باوجود مجلس شورای ملی يك چنین تعدیاتی میشود در اقصی نقاط مملکت حال مردم بیچاره که این عرایص را می

نویسند چه خواهد بود این چگونه مسئولیتی است که ماقبول کرده ایم در صورتیکه می بینم اختیار جان و مال مستخدمین و اجزاء جزء در دست کسانی است که بایولشان زیاد تر است یا درجه شان بالاتر است باین ترتیب هم نمی توان گفت قانون اساسی در يك چنین مملکتی هست و ما کاملاً بوظایف خود عمل کرده ایم با حکم حکومت حق اقامت و مسافرت از رعیت سلب میشود یا بالعجب ما اینچنان شسته ایم و می بینم در روزنامه نوشته می شود معاون مرکزی اداره تلگراف يك پیشخدمتی را چوب می زند و ماتاشا می کنیم بکدام قانون این طور رفتار می کنند بنده از آقای وزیر سؤال می کنم اگر معاون و مدیر وزارتخانه شان قانون اساسی را نمی دانند آنها را تنبیه بدهند مملکت حق قضاوت بمدلیه داده است هیچ رئیس اداره هیچ اربابی و هیچ مالکی حق ندارد کسی را محاکمه کند و چوب بزند چه نصیر کرده که پیشخدمت شده و ماهی پانزده تومان می گیرد حالا اگر اعیان زاده یا شاهزاده بود معاون جرأت داشت باو يك (تو) بگوید خیر او را حضرت اشرف اقدس والا خطاب میکرد اما يك نفر پیشخدمت چون این القاب عجیب و غریب ندارد باید او را برای يك چیز مختصری با وجود مجلس شورای ملی چوب بزنند بنده که این سؤال را می کنم برای این است که ببینم در مقابل این خلاف قانون چه مجازاتی بمن تکب داده شده است ؟ چون کسی که این خلاف قانون را کرده معاون یا مدیر مرکز یا هر کس هست ناقض قانون اساسی است جواب بفرمائید که چه اقدامی فرموده اند والا اگر از این قبیل مسائلی که در مرکز و بهلوی چشم ما واقع می شود جلو گیری نشود وای بهال رعایا باینکه در چند فرسخ فاصله هستند البته مالکین و بولداران رعایا را از زندگانی محروم می کنند

وزیر پست و تلگراف -

متأسفانه همانطور که نماینده محترم بیان فرمودند معاون اداره مرکزی تلگراف خانه مرتکب همچو خلاف قانونی شده است و بنده بی نهایت متأسفم ولی باندازه که لازم بود نظر تقصیری که کرده است مجازاتی در نظربه گرفته شده این قسمت جواب حضرت والا است ولی برای اطلاع آقایان نمایندگان عرض می کنم شخصی که نسبت باو بی اعتدالی شده طفلی است سن سیزده یا چهارده سال و در حین مؤاخذه از آن شخص معلوم شد که آن طفل سیلی بگوش فراش خلوت زده بود و آن فراش خلوت با این پسر در بیرون اطراق دستگاه مشغول جنگال بوده اند به این جهت این شخص يك حال عصبانی پیدا کرده و این حرکت خلاف قانونی از او سرزده حقیقت مسئله این است که می خواهد

استغفار کند

سلیمان میرزا - متأسفانه همانطور که تصدیق فرمودند این قضیه در چند قدمی مجلس شورای ملی اتفاق افتاده است و فرمودند طفلی بسن سبزه و نا بالغ بوده اگر این طوطو است شرها کسی نمی تواند طفلی را مجازات و تادیب کنند

رئیس - چرا ولی و معلم می توانند **سلیمان میرزا** - بلی ولی و معلم می توانند نه مدیر مرکز آنهم با چوب و فلک البته آقایانی که از ترتیبات شرعی اطلاعی دارند اینرا بهتر می دانند دیگر اینکه فرمودند این قضیه در تلگرافخانه اتفاق افتاده اگر این طور بوده دیگر به تر زیرا ایشان پلیس مخفی نبوده اند **وزیر پست و تلگراف** - عرض کردم در خارج اطاق؟

سلیمان میرزا - پس از این مسئله می گذریم مادر این جا می خواهیم یک اصلی برقرار کنیم که عصبانی می شود هر کس را می تواند بزند و نمی توان متعرض او شد زیرا عصبانی شد و جلوی عصبانی خود را نتوانسته است بگیرد معلوم می شود وقتی که عصبانی مافوق قانون است نوبت گوش هر کس می خواهد بزند چرا که عصبانی شده اگر این سابقه عصبانی شدن رفع قانون را می کنید آنوقت بنده پیشنهاد می کنم عصبانی شده هارا در ادارات قبول نکنند بجهت اینکه همانطور که امروز عصبانی شده و بچه سبزه ساله رازد و فردا هم توی گوش وزیر می زند چرا برای اینکه عصبانی شده پس باید شخص عصبانی را قبول نکرد تادیب کسی عصبانی نشود و بداند عصبانی شدن مجازات دارد و بنده این را که دنبال می کنم می خواهم از روی دانائی و اطلاع همه بدانند وزیر وکیل شاهزاده و فقیر پولدار و بی پول در مقابل قانون مساوی هستند هیچ فرق ندارد یک پیشخدمت که دوازده تومان مواجب داشته باشد باید توی سرش زد و برای اینکه دوازده تومان حقوق دارد ولی اگر والی فارسی یا آذربایجان شد چون بیشتر مواجب دارد بیشتر توانسته سرمایه جمع کند باید باو تمظیم کرد یا خیر اینطور نیست هیچ کسی در مملکت مشروطه برخلاف قانون نمی تواند توی گوش یک فرامشی یا یک رعیت بزند بنابراین بنده با آقای وزیر پیشنهاد می کنم که خیلی بغیرت این شخص عصبانی را معاکمه و مجازات کند و مجازات او را مخصوصا با شرح تفصیل در روزنامه ها اعلان کند که چون این کارا کرده بود او را به محکمه مربوطه فرستادیم محاکمه کردیم این مجازات را معین کردند و باین مجازات رسید تا بعد از این سایر مدیران و روسا عصبانی نشوند و بدانند در مقابل عصبانی شدن مجازات هم هست

شیخ الاسلام نماینده اصفهان

استغفارش درست نیست
رئیس - چون پاسی از شب گذشته اگر آقایان موافق باشند به سئوالات خاتمه داده شود

قدین - بنده سئوال فوری داشتم
رئیس - سئوالات زیاد است اگر تمام آقایان بخواهند سئوالات شان را به کند می بایست تا نصف شب معطل شویم طرح فانونی بامضاء عده نمایندگان رسیده است قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

نظر بتولید يك حس نفع جویانه که در تحت تاثیر تشریفات مختلفه بشکل تعصن و تشبث بغارجیان در مملکت ما پیش آمده و باعث مداخله یافتن خارجیان در داخلی مملکت و حتی قوانین موضوعه می باشد به علاوه یکنوع ضعف نفس و زبونی اخلاقی را در افراد مملکت و قوه مجریه مملکت اعلام می دارند و در غالب موارد وسیله استفاده مجرمین و محکومین واقع شده و علی ای حال در صورت عدم تدارك وسیله جلوگیری قابل بسط و توسعه و بالنتیجه دارای تاثیرات زشتی در جامعه تواند بود و امضاء کنندگان ذیل ماده واحده را بتمام ممانعت از این حس نا شایست تقدیم مجلس شورای ملی بنمایند

ماده واحده - هر کس از تاریخ تصویب این ماده یکی از منابع خارجی تعصن جسته یا تشبث گردد از تمام حقوق مدنی محروم خواهد بود

رئیس - بکمسیون مبتکرات فرستاده می شود

جلسه آتیه روز پنجشنبه سه ساعت بغروب مانده دستور آن اولاً لایحه تفسیر باصل هفتاد و نهم قانون اساسی و اگر وقت باقی رابورت کمسیون تجدید نظر در قانون انتخابات خواهد بود

قدین - تقاضا می کنم سئوال بنده از آقای وزیر پست و تلگراف راجع به تبر هائی که در پاریس کشف شده است در جلسه آتیه جزو دستور باشد

وزیر عدلیه - لایحه فانونی که

تقدیم مجلس شورای ملی می شود راجع است به تجار متوقف و در ضمن تقدیم این لایحه يك استدعائی می خواهم از مجلس شورای ملی و کمسیون عدلیه بنمایم و آن این است که بعد از آنکه کمسیون عدلیه انتخابات تمام شد خوب است در ظرف هفته جلسات خودشان را بیشتر از سابق معین فرمایند و بمن اطلاع بدهند تا قوانینی که تقدیم شده است زودتر از کمسیون بگذرد و بموقع اجرا گذارده شود

رئیس - آقای آقا سید محمد باقر دست غیب

آقا سید محمد باقر - راجع به مسئله سؤالی که بنده از وزارت مالیه نموده ام

قدری به نظر خودم فوری بود و در موضوع عیدی بود که از بازاریان می گرفتند و آن کسانی که شکایت کرده اند عده از اهل لاله زار بودند می خواستم که آقای وزیر صبر فرمایند تا اینکه سئوال نمایم حالا که میفرمایند بماند برای جلسه بعد اطاعت میشود

رئیس - چون ده بیست فقره سئوالات دیگری شده است که به سئوال جنبه مالی مقدم بوده است اگر این کار را مقدم بداریم اسباب اعتراض دیگران خواهد شد تکلیف کمسیون هارا هم باید آقایان امشب معین فرمایند چون لوایح زیادی رسیده است و وقت کمسیون هاتمین نشده است لوایحی از طرف وزارت مالیه راجع به تعمیری و مالیات کتیرا و راجع به شکایات وزارت مالیه و هم چنین لوایح دیگر رسیده و هنوز کمسیون مالیه را تشکیل نفرمودید حالا که تشریف می برید بیرون بایستی کسری اعضاء را معین فرمائید که از پس فردا تمام کمسیون ها مشغول کار شوند و لوایح که معطل مانده تکلیفش معین شود

مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد

جلسه ۹۱

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و دویم شعبان هزار و سیصد و چهل مطابق سی ام حمل ۱۳۰۱

مجلس دو ساعت قبل از غروب ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس - یوم سه شنبه ۲۸ حمل (۱۳۰۱) را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - آقای مقبل السلطنه را در صورت مجلس جزو غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که ایشان مریض بوده اند و تصحیح می شود

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در جلسه گذشته آقای رئیس الوزراء در جواب آقای حاج میرزا مرتضی فرمودند اموالی را که چهارراهی ها دزدیده اند و در اینجا نوشته شده اموالی که در چهارراهی دزدیده اند در صورتی که چهارراهی اسم يك طایفه ایست نه اینکه اسم محل باشد و باید نوشته شود اموالی را که چهارراهی ها دزدیده اند

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - سئوال بنده از آقای وزیر پست و تلگراف بقید فوریت بود

رئیس - سئوال فوری و غیر فوری ندارد

مستشار السلطنه - چون بنده

قضیه را فوری و فوری می دانستم لهذا بقید فوریت خاطر نشان آقای وزیر کردم که از مسافرت مسیو مولیتور جلو گیری بعمل آید

رئیس - اگر بنده هم عرض کردم سئوال فوری است برای این بوده که در روی ورقه نوشته بودید فوری والا سئوال فوری و غیر فوری نداریم و شما هم این سابقه را در مجلس نگذارید که اسباب زحمت میشود

آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک - در جلسه گذشته پس از سئوال آقای مستشار السلطنه از آقای وزیر جنگ از طرف ریاست محترم اظهاری راجع به موضوع سئوال ایشان شده و بنده لازم می دانم آن اظهار در صورت مجلس ذکر شود

رئیس - بلی باید نوشته شود
آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم همین مسئله را که آقای وحید الملک فرمودند می خواستم عرض کنم

رئیس - آقای حاج میرزا علیمحمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - در جلسه قبل بنده عرض کردم شکایاتی که سابقاً تیار کرده بودند لغایت صد ۱۸ کمرک قالی بوده است و پس از رسیدگی و تظلمات آنها کمرک قالی را از طرف دولت صد ۱۲ مقرر گردیده فقط در این تلگراف اخیری که رسیده شکایت از صد دوازده کرده اند و الاشکایات اولیه تیار تمام از صد ۱۸ بوده است

رئیس - مراجعه می شود اگر همان طور که فرمودید نوشته نشده است اصلاح می شود دیگر ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس با این دوسه فقره اصلاح تصویب شد چند فقره لوایح رسیده است که عرض میکنم:

یکی تقاضای انتقال دستگاه چراغ برق دربار سلطنتی به حضرت معصومه لایحه دیگر راجع باز دیاد حق العبور طهران الی دماوند از بیست الی سی در صد ارسال می شود بکمسیون قوانین مالیه

لایحه دیگر راجع با افزایش کرایه حمل امانات پستی بهائی السیر است که آن هم بکمسیون قوانین مالیه ارسال میشود لوایح دیگری راجع بتقاضای چند فقره شهریه و حقوق تقاعدی خیلی جزئی رسیده است بکمسیون بودجه ارجاع می شود می خواستم عرض کنم اگر تمام این حقوق و شهریه ها از کمسیون بودجه در يك پیشنهاد نوشته شود که در موقع رأی دادن موجب اتلاف وقت مجلس نشود شاید بهتر

باشد و اگر بنا باشد برای هر يك از این لوائح رأی علیحده بگیریم تقریباً تساهت الی سه ربع وقت مجلس تلف خواهد شد (بعضی اظهار عجز کردند مجدداً بفرمائید) .

رئیس - عرض کردم اگر کمیسیون بودجه موافق باشد برای تمام این لوائح يك راپورت بنویسد منتهی برای هر لایحه يك ماده جدا گانه می نویسد اگر دلائل است يك راپورتی می نویسد که ده ماده داشته باشد با هر ماده که آقایان موافقت رأی می دهند و هر کدام را موافق نیستند رأی نمی دهند .

گمان می کنم اگر تمام این لوائح را باین طریق که عرض شد در ضمن يك راپورت بمجلس بفرستند بهتر باشد آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام السلطان - در باب لوائحی که می رسد یکمرتبه هم سابقاً این مطلب را فرمودید و عرض کردم که بهین طریق که فرمودید راپورت داده میشود .

رئیس - بسیار خوب . يك طرح قانونی از طرف آقای حائری زاده پیشنهاد شده است راجع بانتراع حکومت ابرقو از اسفهان وانضمام آن ناحیه بیزدار سال میشود بکمیسیون مبتکرات آقای محقق العلماء

(اجازه)

محقق العلماء - راجع بشهریه ها که فرمودید در يك لایحه نوشته شود می خواستم عرض کنم که فرق نمی کند چه در يك راپورت بطریق ماده بماده نوشته شود چه هر فردی از آن در يك راپورت نوشته شود باز برای هر کدام چه در موارد چه در لوائح بایستی مدتی مذاکره شود

رئیس - بلی مذاکره میفرمائید ولی باورقه رأی نمی دهید راپورت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات مطرح است کمیسیون در این راپورت خود زمینه پیشنهاد نکرده است بایستی زمینه برای آن معین بشود که در روی آن زمینه مذاکرات بشود اگر آقایان موافق باشند زمینه را اینطور قرار می دهیم عدم تجدید و عدم تجدید .

آقایانیکه مخالف هستند در این زمینه حرف خواهند زد .

ملك انشعراء مخبر - برای اینکه خاطر آقایان کاملاً مسبوق باشد ناچارم دو سه فقره توضیح عرض کنم : این که از طرف کمیسیون زمینه پیشنهاد نشده از نقطه نظر غفلت نبوده است بلکه علت این بود که خود کمیسیون هم در این قضیه نتوانست نظر مثبت یا منفی اتخاذ کند و فعلاً در خود کمیسیون اشخاصی هستند که

باتمیدید مخالفند و اشخاصی هستند که موافقتند . بهر جهت در کمیسیون مذاکرات زیاد شده ولی در این موضوع رأی ثابت یا منفی اتخاذ نشده است .

در موضوع تمديد هم افراد کمیسیون با اصل تمديد موافقت دارند ولی در طرز و شکل آن باز يك اتفاق نظری حاصل نشده و سبب اینکه تثبیت این دو قضیه بمجلس احاله شد این بود که هر اصلاحی را ما می خواستیم در قانون انتخابات بموقع اجرا بگذاریم بیکي از این دو قضیه مصادف می شدیم و کمیسیون نتوانست بپانخواست خود را مسئول این دو امر قرار دهد زیرا چه مسئله تمديد و چه مسئله تجدید دو اصلی هستند که افکار عمومی کاملاً علاقمند باین دو اصل است .

کمیسیون هم از نقطه نظر اهمیت این دو اصل و از نقطه نظر علاقه مندی شدیدی که افکار عمومی قطعاً باین دو مسئله داشته و خواهند داشت مسئله را بمجلس احاله داد که از نقطه نظر موافقت با افکار عمومی و مقتضیات وقت و مصالح عامه در مجلس این دو قضیه طرح شود و هر رأییکه مجلس داد کمیسیون هم آنرا مقدمه و پایه باقی اصلاحات قرار دهد .

والیه افراد کمیسیون هم در مجلس در جزء عقاید آقایان عقاید خودشان را اظهار خواهند داشت . و بطور آزاد صحبت خواهند کرد

در هر صورت در مجلس باید تکلیف این دو قضیه معلوم شود . چون کمیسیون در هیچ يك از این دو قضیه عقیده مثبت یا منفی اتخاذ نکرده است و مسئولیت این دو قضیه را کاملاً بمجلس شورای ملی محول میدارد .

رئیس - مقصود بنده ایراد بکمیسیون نبود چون کمیسیون ببطرف بوده است والیه همینطور که راپورت داده باید بدهد .

عرض بنده از نقطه نظر حسن جریان مذاکرات بود زیرا مذاکراتی که می شود البته باید در روی يك زمینه اساسی باشد و آن اساس را عرض کردم از روی قاعده کلی در زمینه اثبات باشد نه نفی و گمان میکنم اینطور بهتر باشد . آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - حالا در کدام يك از این دو قضیه که فرمودید در عدم تجدید و عدم تمديد باید مذاکره کرد .

رئیس - اول مذاکرات در تجدید است ولی اساس عدم تجدید است محمد هاشم میرزا - بنده يك توضیحی میخواهم (اجازه) میفرمائید

محمد هاشم میرزا - موضوع تجدید يك وقت است نظر بقانون انتخابات حاضر است .

یعنی اینطوریکه اینجا معین کرده است این را برداریم و شرایطش را بکلی ملغی کنیم یا يك شرائط تازه بر آن بیفزائیم و یکوقت مطلق است یعنی انتخابات مطلقاً آزاد باشد

بنده این را ملغی نمیشوم آیا موضوع متن قانون انتخابات حاضر است که بینیم کدام شرایط را باو بیفزائیم و محدودش کنیم .

یا اینکه مطلقاً انتخابات آزاد است خوب است این دو مسئله از هم تفکیک شود رئیس - عرض کردم قاعده کلی که اثبات باشد بایستی اساس مذاکرات قرارداد یعنی اصل عدم تجدید است . و بعد اشخاصی که معتمدند باید تجدید شود هر کدام هر چه بنظرشان میرسد پیشنهاد خواهند کرد .

این نظر بنده است . اگر آقایان نظر دیگری دارند بفرمائید (صحیح است صحیح است) اول راجع بعدم تجدید مذاکره می شود .

این مسئله که گذشت داخل می شویم در عدم تمديد .

آقای وحید الملك

(اجازه)

وحید الملك - بنده با عدم تجدید موافقم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم موافقم .

رئیس - آقای فهیم الملك هم موافقتند .

فهیم الملك - بلی موافقم

رئیس - آقای سدید الملك بطور

سدید الملك - موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی موافقت یا مخالف

حاج میرزا علی محمد - بنده هم موافقم

رئیس - آقای گروسی بطور حاج شیخ محمد حسن گروسی

موافقم با عدم تجدید رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله هم موافقتند

حاج شیخ اسد الله - بلی بنده هم با عدم تجدید موافقم

رئیس - آقای سهام السلطان موافقت یا مخالف

سهام السلطان - موافقم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا - (اجازه)

محمد هاشم میرزا - لابد شدم عرض خودم را تکرار کنم بجهت اینکه

آقایان میفرمایند با عدم تجدید موافق هستیم و حال آنکه در این قانون انتخابات که آلا ن در دست است اصل تجدید مقرر شده است یعنی انتخابات کنندگان محدود هستند . در این قانون انتخابات يك جماعت و دسته هائی را از حق رأی دادن محروم کرده اند که حالا بنده جریان آنرا نمی خواهم عرض کنم .

البته در خاطر همه آقایان هست که عدم تجدید مطلق نیست و ممکن است بعضی از آقایان عقیده شان این باشد که در رأی دادن سواد شرط باشد آنوقت خود این تجدید میشود پس خوب است آقایانیکه میفرمایند با عدم تجدید موافق هستیم توضیح بدهند .

زیرا از ظاهر فرمایش آقایان معلوم میشود که هیچ چیز مانع از رأی دادن نیست اعم از اینکه شخص رأی دهنده جانی باشد صغیر باشد زن باشد هر چه باشد می تواند رأی بدهد و نباید محدود باشد . بعقیده بنده اینطور صحیح نیست . و بالاخره اگر زمینه در روی قانون انتخابات حالیه است بنده هم موافقم اگر مقصود این است که هیچ حدی برای انتخابات قائل نشویم و عدم محدودیت مطلق باشد که بنده عریض خودم را عرض کنم .

رئیس - بنده عرض کردم عدم محدودیت مطلق باز عرض کردم هر کدام از آقایان معتقد به شرطی هستند اگر مطلب و ادراست ادا نکردم دوباره عرض کنم تا مطلب معلوم شود همچو معلوم میشود که هنوز مطلب خوب روشن نشده است محمد هاشم میرزا - خیر

رئیس - آقای کازرانی

(اجازه)

آقای میرزا غنی کازرانی - بنده با تجدید موافقم باین معنی که علاوه بر آن شرایطی که در قانون انتخابات است و يك عده بواسطه آن شرایط از حق انتخاب محروم میشوند .

بنده قائم كيك عده دیگری هم باید از حق انتخاب محروم باشند در قانون انتخابات اشخاصی که حکومت دارند آنها را در حوزه حکومتی خودشان از حق انتخاب محروم میدارد و هم چنین نظامی ها را بنده عرض می کنم مطلقاً مأمورین دولت در هر کجا که مأموریت دارند بایستی از حق انتخاب شدن محروم باشند .

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی

(اجازه)

آقا میرزا سید حسن کاشانی - بنده فرمایش آقای کازرانی یعنی با تجدید مخالفم

رئیس - آقای وحید الملك

(اجازه)

وحیدالملک - بنده قبل از اینکه بمقام نفاق بایم می خواهم عرض کنم که بنده نمیدانم عدم تجدید مطلق عبارت از عدم تجدیدی است که در سایر ممالک هم معمول است مثلاً انات و مجانین و امثال اینها از حق رأی دادن منوهند یا اینکه عدم تجدید مطلق آن است که انات و مجانین و غیره هم حق رأی دادن داشته باشند

رئیس - پس معلوم میشود هنوز هم مطلب روشن نشده است

وحیدالملک - بنده عرض میکنم اگر عدم تجدید مطلق عبارت از این است که مجانین و جانیها و انات هم داخل در رأی دادن بشوند بنده هنوز بدرجه وکیل الرعایائی نرسیده ام و اگر اینطور باشد گمان میکنم تمام آقایان مخالف باشند بنده مقام خودم را هم برای نفاق محفوظ میدارم

رئیس - اینکه میفرمایند مطلق باین معنی که نمیشود گفت در هر مملکتی انتخابات يك شرایطی دارد و در ممالک هم هر کدام يك ترتیبی دارند اگر این ترتیب را منطقی نمیدانند و مخالفی نیست همان شرایطی که بالفعل در قانون انتخابات است آنرا اساس قرار میدهم اگر کسی شرایط دیگر هم لازم میداند پیشنهاد کند (صحیح است - صحیح است) پس از سررای میگیریم آقای وحیدالملک با شرایطی که بالفعل در قانون انتخابات است موافقت؟

وحیدالملک - بلی موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب چطور؟

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمایند

آقا سید یعقوب - بنده حق دارم بکمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات ایراد کنم آقای رئیس بجهت زعایت مقام ریاست ایراد نفرندن ولی بنده ایراد میکنم خیلی غریب است که يك کمیسیون برای انجام يك مسئله انتخاب شود آنوقت در آن مسئله رأی ندهد و اظهار عقیده نکند شهادت که پس آنها این ایراد وارد است مثلاً قضات يك محکمه را مأمور میکنند که در يك مسئله رأی بدهند آنوقت اگر قضات بگویند رأی باخودشان است آیا به آنها ایراد وارد نیست قضات محکمه باید رأی خودشان را بدهند پس از آن در يك مجمع عالی تری می آید یا قبول میشود یا رد میشود اگر بنا شود در کمیسیون رأی ندهند پس ما برای چه می آئیم يك عده را انتخاب میکنیم که بنشینند در قانون انتخابات تجدید نظر کنند - البته برای این است که بنشینند تجدید نظر بکنند پس از تجدید نظر بقیایا یا اثباتا در تجدید یا تمدید رأی خودشان

را بنویسند و بمجلس بیاورند در مجلس هم حکمت کند حالا اگر آقای ملک الشعرا معبر کمیسیون بفرمائید این ایراد غیر منطقی است بعقیده بنده این منطق است - اما در اصل مسئله پس از توضیح از طرف مقام ریاست معلوم شد که مراد عدم تجدید مطلق نیست و حقیقتاً هم نمیتوان معتقد بآزادی مطلق نسبت به منتخب و منتخب شد زیرا مجانین و اشخاص که در تحت قیمومیت دیگر آن هستند نمیتوان بآن ها حق داد که کسی را انتخاب کنند یا انتخاب شوند و همین حدی که در نظامنامه انتخابات معین شده است بنده کاملاً با آن موافقم لیکن همان طور که آقای آقا میرزا علی کازرانی بیان فرمودند بنده هم میخواهم عرض کنم که ما حتی المقدور باید سعی کنیم که انتخابات از روی صحت و توجه ملت باشد و متنفذین یعنی کسانی که دارای نفوذ هستند (آنها چه امبداریم که نفوذهای شخصی در حکومت ملی اثری نکنند و افراد ملت از روی آزادی تام هر کسی را میخواهند انتخاب کنند) کاملاً از آن ها جاوگیری کنیم - از جمله در قانون انتخابات می نویسد که حکام محل حکمرانی خودشان از حق انتخاب شدن محرومند بنده میگویم حاکم نسبت بامین مالیه مقهور است باید امضای مالیه را محدود کرد برای اینکه نفوذ امین مالیه و قوه و قدرتش فوق حاکم است - هم چنین کار گذاری حالا که ما بعهده آزاد هستیم و يك نفس استقلال و آزادی میکشیم و يك ملت آزادی هستیم

رئیس التجار - بعهده همیشه آزاد بوده ایم

آقا سید یعقوب - بلی بودیم و انشاء الله هم خواهیم بود بهرجهت حالا آزاد هستیم - مثلاً کار گذاری ایالات و ولایات باید محدود باشند و از حق انتخاب شدن محروم باشند همچنین کلیه نمایندگان وزارت خارجه و امضای مالیه و نمایندگان قشونی (گرچه در قانون انتخابات مینویسند که نمایندگان قشونی بری و بحری محرومند) بهرجهت بنده پیشنهاد میکنم که تمام اینها محروم باشند - مثلاً حرکات کار گذاری های ایالات و ولایات هنوز از نظرها معور نشده است که در کارهای مردم و حقوق ملت چقدر دخالت میکنند - بالاخره بعقیده بنده باید تمام آنها را در محلی که مأموریت دارند از حق انتخاب شدن محروم کرد مثلاً رئیس عدلیه یا رئیس معارف و اوقاف بلکه خیلی از مأمورین دولت که قوه و سلطه ندارند بنده عقیده ندارم محروم باشند ولی مأمورین دولت که قوه قدرت دارند برای حفظ حقوق ملت آنها را باید مأمور کرد اما نماینده معارف و نماینده اوقات یا نماینده عدلیه قوه قدرتی ندارند که اعمال نفوذ بکنند بنده پیشنهاد میکنم که نماینده وزارت داخله و کار گذار و کلیه نمایندگان

وزارت خارجه و امنا مالیه و نمایندگان قشونی (که معین هم شده است) و صاحب منصبان قشونی بری و بحری کلیه محروم باشند

حاج شیخ اسدالله - از چه چیز محروم باشند - از رأی دادن یا انتخاب شدن؟

آقا سید یعقوب - از انتخاب شدن محروم باشند

مخبر - با وجود توضیحاتی که بنده راجع بنظریات کمیسیون دادم باز آقای آقا سید یعقوب اعتراض فرمودند که چرا کمیسیون در این دو اصل تصمیمی اتخاذ نکرده است و بمجلس احاله نموده است این فرمایش ایشان تا حدی شبیه با اعتراضاتی است که از نقطه نظر کسالت اظهار می شود الان تمام افکار عمومی و جراید متوجه باین مسئله است و از این قضیه صحبت میکنند مسئله باین اندازه ساده و آسان نبوده است بکمیسیون برود و در آنجا اختتام پیدا کرده و بمجلس راپورت داده شود

ما خواستیم این دو مسئله عمومی را که فاکتور عموم کاملاً هلاقمند و متوجه بآن است بشود مجلس عرضه بداریم و از مسئولیت آن خودمان را فارغ کنیم و مجلس در این قضیه امان نظر بکند و نظر اعضاء کمیسیون هم در ضمن نظریات عموم در مجلس اظهار هود و از يك زدوخوردهای حتی که ممکن بود در موقع اختلاف پیش بیاید از آن زدوخوردها خودمان را راحت کنیم و بنده تصور می کنم در غالب کارهای عمده که منوط با فاکتور عمومی است اگر سایر کمیسیونها هم اینطور نظر داشته باشند راست است شاید اینگونه اقدامات يك کمیسیون سابقه نداشته باشد ولی اگر بمجلس احاله شود شاید بمصلحت و ملاحظه کردن افکار عمومی نزدیکتر باشد اما اعتراضاتی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند راجع بمحدودیت انتخاب شوندگان گمان می کنم این هم از موضوع بحث خارج بود زیرا موضوع صحبت و محدود کردن راجع با انتخاب کنندگان است نه انتخاب شوندگان بعضی اظهار می کنند بایستی فقط باشخاص باسواد حق رأی داده بعضی می فرمایند باید حق رأی فقط با اهالی شهرها داد که فقط اهالی شهرها حق انتخاب کردن داشته باشند بعضی ها هم معتقدند که باید وضع محدودیت بعمل حاضر باقی باشد و از این حد بیشتر نباشد حالا باید در این چند موضوع صحبت کرد و الا راجع باشخاص محروم الوکاله خود کمیسیون می تواند نظریات خود را بعد از ختم اصلاحات بمعرض مجلس برساند ولی اگر آقایان مایل باشند در این موضوع هم امروز می توان صحبت کرد

آقا سید یعقوب - مذاکرات در

در هر دو موضوع است هم راجع به منتخب و هم راجع بمنتخب

رئیس - آقای تدین موافقت یا مخالف؟

تدین - بنده در يك قسمت موافقم و در يك قسمت مخالف

رئیس - بفرمائید

تدین - قانون انتخابات يك شرایطی نفیاً و اثباتاً برای منتخبین معین کرده است و يك شرایطی نفیاً و اثباتاً برای منتخبین بنده با شرایطی که قانون انتخابات نفیاً و اثباتاً برای انتخاب کنندگان معین کرده است موافقم بلکه معتقد هستم که مازاد بر بر آنهم شرایطی معین شود ولی راجع بمنتخبین یعنی اشخاصی که انتخاب خواهند شد بنده معتقد بمحدودیت آنها نیستم و اگر آقایان موافقت فرمایند بنده پیشنهاد می کنم که این دو قسمت از هم تجزیه شوند؟

رئیس - کدام دو قسمت تجزیه شود؟

تدین - شرایط منتخبین نفیاً و اثباتاً و شرایط منتخبین نفیاً و اثباتاً

وحیدالملک - شرایط منتخبین جزو محدودیت نیست

رئیس - بدو تقسیم بدو قسمت می کنیم و ابتدا در منتخبین یعنی انتخاب کنندگان حرف میزنیم - آقای فهیم الملک (اجازه)

فهیم الملک - بنده با عدم تجدید شرایط منتخبین موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده در شرایط منتخب حرفی ندارم

رئیس - بسیار خوب وقتی که در شرایط منتخب رسیدیم باید دوباره اجازه بخواهید آقای گروسی

(اجازه)

حاج شیخ محمد حسن - بنده موافقم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله چطور؟

حاج شیخ اسدالله - بنده هم موافقم

رئیس - آقای سهام السلطان موافقت یا مخالف؟

سهام السلطان - موافقم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - در آنجائی که شرایط انتخاب کنندگان را می نویسد در يك ماده می نویسد که انتخاب کنندگان لااقل باید بیست سال داشته باشد و بنده با این مسئله مخالفم زیرا هیچ دلیلی برای بیست سالگی نمی بینم - در مذهب ما وقتی

که طفل به پانزده سال رسید آن طفل بالغ است و در حقوق زندگانی خود همه گونه اختیارات را دارا میشود پس همانطور که شرعا تکلیف بتمام تکالیف و دارای تمام حقوق زندگانی میشود باید دارای حقوق سیاسی هم بشود اگر بلوغ سیاسی را هم میبخواهند قائل بشوند که در فرنگستان هم بلوغ سیاسی بیست و یکسال است نه بیست سال بنده معتقد هستم همانطور که در ایران اشخاص پانزده ساله در همه عسکرها و خود دخالت میکنند باید حق رای دادن هم داشته باشند و بنده دلیلی برای بیست سالگی نمی بینم.

رئیس - آقای فهم الملک (اجازه)

وحید الملک - بنده موافق بودم و نوبت خود را هم محفوظ داشتم

رئیس - شما در مرتبه صحبت کردید و وحید الملک - بنده صحبت نکردم

توضیح خواستم و عرض هم کردم که نوبت خود را حفظ میکنم

فهم الملک - بنده اینطور خیال میکنم که هنوز مقصود راپورت کمیسیون درست بر آقایان مکشوف نشده است. دو کلمه در این راپورت ذکر شده است. یکی تعدید و یکی تعدید و فعلا مذاکرات در خصوص تعدید است چیزی که کمیسیون را وادار کرد که تکلیف این دو مسئله را به مجلس احاله دهد این بود که یک سلسله مذاکرات در اطراف تعدید و تعدید در کمیسیون شد یک اطلاعاتی هم از خارج در خصوص انتخابات بکمیسیون داده شد که کمیسیون مجبور شد تکلیف این دو مسئله را به مجلس و آقایان مستعضر است یک سلسله شکایات و تظلماتی در عرض این مدت راجع باعمال نفوذ بعضی از اشخاص از ابتدای افتتاح مجلس رسیده است و چه در مجلس و چه در خارج مجلس مذاکره از تعدید نظر در قانون انتخابات می خد و تأسیس این کمیسیون هم بجهت این بود که یک اصولی اتخاذ شود در آتی حتی الامکان از این پیش آمدها جلوگیری شود که پس از مذاکره در قانون انتخابات آنچه بنظر رسید که

بیشتر سبب این اعمال نفوذها میشد مسئله عمومی بودن انتخابات بود در دوره دوم انتخابات که درجه معمول بود و در انتخابات دوره سه نسبتا اعمال نفوذ کمتر میشد زیرا در یک ملت و جمعی که هنوز درجه معارف خیلی پست است (و نتیجه از حوزه یک شهر خارج شویم معلوم می شود که نسبت با سواد به بی سواد از یک هزارم هم کمتر است) ملتی که هنوز معنی انتخابات را نمیدانند و غالبا بی سواد هستند البته اعمال نفوذ در آنها خیلی جریان دارد انتخاب و افراد حقیقی ملت آنهاست که حقیقتا مجلس شورای ملی باید

نماینده آنها باشد کسانی هستند که خیلی سهولت در تحت نفوذ واقع میشوند و هر کس که اندک وسیله داشته باشد بطوری میتواند از این ملت استفاده کند و آنها را وادار کند که درباره اورای بدهند و ولی در انتخابات دو درجه تا این اندازه اعمال نفوذ نمی شود زیرا آن اشخاصی که اعمال نفوذ میکنند بر فرض که در درجه اول انتخاب نشوند بملایه است در درجه دوم انتخاب نشوند بملایه چون در درجه اول همه انتخاب شوند گمان خیلی زیاد است اندام ممکن است که در بین آنها یک همه انتخاب شوند که بیشتر طرف توجه ملت باشند ولی در عوض معایب دیگر در این نوع انتخاب خیلی هست در هر صورت باید یا خوب در مجلس دوم که قانون انتخابات اصلاح شد انتخاب عمومی و مستقیم را اساس انتخابات قرار داده اند. امروز که تمام عالم رویه ترقی می روند دیگر یک حرکت فقهائی و برگشت با انتخابات دو درجه را هیچ يك از اعضای کمیسیون نپذیر نمی کردند بنابر این قائل شدند باینکه باید يك شرایط دیگری برای جلوگیری در اعمال نفوذ انتخاب شوندگان قرار داد و در کمیسیون مذاکره شد که بیشتر این اعمال نفوذها بواسطه بی سوادى مردم است.

ولی از طرف دیگر دیدیم اگر شرایط سواد را برای انتخاب کنندگان قائل شویم بقدری دایره انتخابات محدود می شود که ممکن خواهد شده انتخاب کنندگان هر معنی را باسم نوشت و از رو یکده زیادی که ملت واقعی بآنها اطلاق می شود از حق انتخاب محروم می ماند و غیر از این شرط هر شرط دیگری از قبیل مالیات و غیره برای انتخاب قائل شویم غیر عملی خواهد بود زیرا در ممالک متدینه هم که مالیات های مستقیم باسم اشخاص گرفته می شود.

مهمنا این شرط از قانون انتخابات اسقاط نمودند تا چه رسد بمملکت ایران که هنوز غیر ممکن است مالیات دهندگان را تعیین نمود زیرا غالب مالیات ها باسم املاک دریافت می شود و بملایه يك اداره سجل احوالی نداریم و نمی توانیم از روی دفتر آن ادارات اسم اشخاص را که حق انتخاب نمودن دارند بدست آوریم باز اگر تمام این مقدمات کمیسیون نتوانست وسیله بدست آورد که در این رابطه جلوگیری از اعمال نفوذ بشود اکثریت مردم هم از حق انتخاب نمودن محروم نشده باشند چون در خارج مجلس و کمیسیون هم بعضی اظهارات و پیشنهاداتی راجع به تعدید انتخابات کنندگان می شد که هیچ کدام را کمیسیون عملی نمی دانست این بود که همان طور که در راپورت ملاحظه می فرمائید از مجلس تقاضا نمود

که خود مجلس شورای ملی در این باب تصمیمی اتخاذ نماید در صورتیکه اکثریت مجلس قائل شد که قانون فعلی انتخابات محدودتر شده و شرایط دیگری اضافه بر آن شود البته کمیسیون هم در روی همان زمینه سایر شرایط انتخابات را تهیه خواهد نمود و اگر هم مجلس طرفدار شرایط قانون انتخابات فعلی باشد و آن شرایط را کافی دانست کمیسیون هم نظریات خود را در آن زمینه اظهار خواهد نمود.

گذشته از تمام این ها فعلا کمیسیون کسب تکلیف برای تعیین شرایط و حدود انتخاب کنندگان نمود و خود کمیسیون هم هنوز داخل شرایط انتخاب شوندگان نشده است که آقایان راجع بآن مذاکره می فرمایند.

بلی در صورتیکه مجلس بخواهد می تواند تمام قانون انتخابات را هم رای بدهد که در جزو دستور گذاشته شود و کمیسیون هم مخالفتی نخواهد کرد و مطیع خواهد بود.

لیکن راپورتی که فعلا تقدیم شده فقط راجع به تعیین شرایط انتخاب کنندگان است که مجلس باید راجع به محدود کردن قانون فعلی و یا توسعه دادن آن تصمیمی اتخاذ نماید

ولی راجع بتوسعه دادن آن کمیسیون بهیچوجه عقیده ندارد زیرا شرایطی که در قانون مندرج است همه چیزهایی است که حقا باسقی ذکر شود و نمی توان حذف نمود فقط شاهزاده معتمد شاه میرزا راجع به این اعتراض فرمودند و بنده گمان می کنم همان سن بیست را هم که اختیار کرده ایم باز کم است زیرا چون درجه تعلیمات و معارف در این مملکت زیاد نیست و تجربه رسیده است که همان اشخاص بیست ساله هم نمی توانند بحقوق خودشان پی ببرند تا چه رسد باطفال پانزده ساله که هنوز نمیتوانند حقوق مدنی و شرعی خود را تشخیص بدهند کمیسیون تعدید نظر در قانون انتخابات فعلا در شرایط انتخاب کنندگان با قانون فعلی کاملا موافق است و علاوه بر آنرا عقیده ندارد اگر مجلس با کمیسیون موافق است البته کمیسیون در سایر مطالب داخل مذاکره شده و راپورت خود را تقدیم خواهد داشت و اگر موافق نباشد کمیسیون هم مطیع رای مجلس بوده و همانرا مطرح قرار داده و به مجلس پیشنهاد خواهد نمود

رئیس - آقای وحید الملک موافقت؟ وحید الملک - بنده با عدم تعدید موافقم.

رئیس - آقای کازرانی چطور؟ کازرانی - بنده هم موافقم

رئیس - آقای آقا مهد محمد باقر دست فب.

دست غیب - بنده نیز موافقم. رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی مخالفند؟

حاج میرزا مرتضی - راجع به این بنی.

رئیس - میرزا مرتضی - چون شرع انور برای ما يك حدودی معین کرده است که طفلی که بسن پانزده سالگی رسیده موقع بلوغ او است و میتواند از کارهائی که قبل از بلوغ از دخالت در آن ممنوع بوده دخالت نماید. بنا بر این هیچ منطق ندارد که ما او را از حق انتخاب محروم نماییم. بلی در صورتیکه شرایط دیگری از قبیل سواد و غیره قرار میدادیم میتوانستیم برای سن هم قائل شویم و الا با عدم قید این شرایط بنده نمیدانم که این قید سن بیست از روی چه منطق است بنا بر این بنده عقیده دارم که همانطور که در شرع مذکور است شخص پانزده ساله نباید از هیچ يك از حقوق شرعی و مدنی محروم بماند

رئیس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک - در موقعی که کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات در مجلس شورای ملی انتخاب میشد بنده متاسفانه حاضر نبودم و نمیدانم که از چه نقطه نظر و برای چه کار این کمیسیون انتخاب شده و ماموریت آن چه بوده است؟

و خود کمیسیون در آخر صفحه دوم راپورت خودش تقریبا می رساند که ماموریتی که از طرف مجلس داشته و برای انجام همان ماموریت کسب تکلیف از مجلس شورای ملی نموده و نظریه مجلس را خواستار شده است از خود این راپورت هیچ حس میکنم که رضایت بخش نبردن بعضی انتخابات و طول مدت فترت يك زمینه برای انتخاب و ماموریت این کمیسیون بوده است. از طرف دیگر می بینم که این راپورت قدری مخالفت دارد با اظهارات مخبر محترم و شاید یکی دو عضو کمیسیون تعدید نظر در قانون انتخابات در این راپورت کمیسیون دواصل را پیشنهاد می کند یکی اصل تعدید و دیگری اصل تعدید اگرچه بنده این طور حس می کنم که عقیده اکثریت کمیسیون این است که هر دوی این اصول باید اتخاذ شود زیرا می گوید (بدو اصل معتقد شویم یکی اصل تعدید و دیگری اصل تعدید. راجع باصل تعدید از قبیل تعدید حوزه های جزا انتخابیه با وضع شرایط محدود کننده در رای دهندگان و اوصاف سلبه و ثبوتیه آنان رای کمیسیون بطریقی که قبلا اشاره نمودیم یقینا استالی آخر)

از این رو معلوم می شود که رای تعیین شده ولی بنده نمی فهمم اگر معین است چرا از مجلس کسب رای و تکلیف نموده اند در